

آموزشی ابتداری

رشد



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای آموزگاران، دانشجویان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست‌و‌هشتم | مهرماه ۱۴۰۳ | شماره‌ی بی‌دری ۲۲۲ | ۴۸ صفحه
www.roshdmag.ir



زندگی به وقت کلاس!

- رادیو بچه‌ها
- تفکر، کلید رشد
- یک معلم و این همه پایه





زَكَاةُ الْعِلْمِ بَدَلُهُ لِمُسْتَحِقِّهِ وَ إِجْهَادُ النَّفْسِ فِي الْعَمَلِ بِهِ

زکات دانش، آموزش به کسانی است که شایسته‌ی
آن‌اند و کوشش در عمل به آن است.

(امام علی^{علیه السلام}، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۹۱)



مهدی رضایی

یک ایران استعداد

الا ای آنکه هستی هرچه از توست
 زمین جنبش فلک آرامش از توست
 الا ای ساقی دل‌خستگی‌ها
 الا ای مونس دل‌بستگی‌ها
 الا ای ساحل دریای آرام
 تویی آرامش شب‌های نارام
 الا ای دلبر و دل‌داده‌ی من
 الا ای مرحم زخم دل من
 تویی زمزمه‌ی عشق و سرورم
 تویی آوای هر روز و سرودم
 دل خسته دگر مرهم ندارد
 به هرجایی نظر یاری ندارد
 دلم غمگین و خسته از پی توست
 شکسته بالش، اما در پی توست
 دلم گوید دگر یاری نخواهم
 مگر یارم شوی جز تو نخواهم^۱

باز هم ماه مهر شد و عقربه‌ی تقویم، به رسم هر سال، روی آغاز سال تحصیلی قرار گرفت. باز هم ماییم و یک مدرسه کار و تلاش، برای پرورش یک ایران استعداد. شکرگزار خدا هستیم که بار دیگر توفیق داد آغاز سال تحصیلی را با نشریه‌ی



رشد آموزش ابتدایی در کنار شما همکاران محترم باشیم و منت‌گذار لطف شمایم که باز هم همراه ما هستید. دانش‌آموزان استعداد‌های متعددی دارند و ما آموزگاران در حد توان تلاش می‌کنیم، با در نظر گرفتن این تنوع نیازها، از طریق سخنرانی یا کار گروهی یا قصه‌گویی یا آزمایش عملی یا... فرایند یاددهی‌یادگیری را به‌خوبی محقق سازیم. از طرفی هم باید به تربیت تمام‌ساختی دانش‌آموزان توجه کنیم و طراحی‌ها و فعالیت‌هایمان چندساختی باشد. نقش اولیا را هم باید در نظر بگیریم و تا جای ممکن اولیای کلاس خودمان را برای پیشبرد برنامه‌ها فعال کنیم. سایر همکاران مدرسه نیز نقش پررنگی در کار ما دارند و بنابراین باید برای آن‌ها هم، به‌تناسب کارها و تعامل شخصی خودمان با آن‌ها، سهمی قائل شویم. محتوای منابع آموزشی را هم باید کامل پوشش دهیم و حتماً برای تعمیق آموزش، تمرین مناسبی را طراحی کنیم و بعدها این تمرین‌ها را بررسی کنیم که دانش‌آموزان به‌درستی از عهده‌ی آن تمرین‌ها برآمده باشند. به‌روز بودن هم خیلی مهم است؛ برای همین ما همیشه درصدد یافتن دستاوردهای جدید یا استفاده از تجربه‌های سایر همکاران محترم هستیم. زمانی در دوره‌ها و کارگاه‌ها هستیم و زمانی مشغول مطالعه و جست‌وجو در منابع.

اداره و ساختار رسمی آن و بخش‌نامه هم در جای خود اهمیت دارد و باید برایش زمان در نظر بگیریم. در کنار همه‌ی این موارد، زندگی شخصی ما هم جریان دارد؛ خانواده و معیشت و جامعه و ... این نمایی از زندگی ما معلمان است، وقتی عشق به رشد دانش‌آموزان را در همه‌ی این موارد دخیل بدانیم. مانند دوره‌های گذشته، در شماره‌ی اول این دوره قصد داریم کمی در مورد سبک زندگی معلمی با هم گفت‌وگو کنیم. البته این سبک، خط محتوای کلی این دوره‌ی نشریه‌ی رشد آموزش ابتدایی است و در هر شماره به گوشه‌ای از این جورچین بیشتر پرداخته می‌شود. امسال، هم در خدمت بزرگوارانی هستیم که به‌صورت ثابت با رشد آموزش ابتدایی در ارتباط هستند و هر شماره از مطالبشان استفاده خواهیم کرد و هم از وجود عزیزانی بهره‌مند می‌شویم که به‌صورت موردی مطالب خود را برای دفتر نشریه می‌فرستند. از همین فرصت استفاده می‌کنیم و دعوت همیشگی مجموعه‌ی مجلات رشد را اعلام می‌کنیم؛ از شما همکاران محترم دعوت می‌کنیم

مقاله‌ها، تجربه‌ها، آموزش‌ها، درس‌پژوهی‌ها، اقدام‌پژوهی‌ها و هر آنچه به نظرتان برای سایر دست‌اندرکاران آموزش ابتدایی مفید است، برای دفتر مجله بفرستید. راه‌های ارتباطی دفتر مجله در صفحه‌ی شناسنامه درج شده‌اند. تا فراموش نشده است، توجهتان را به تغییری جلب می‌کنم که امسال در مجله‌مان رخ داده است؛ امسال، در رشد آموزش ابتدایی، هر کدام از مطالب دو رمزینه دارند. این رمزینه‌ها بابت اعلام نظر شما در مورد آن مطلب است. شما می‌توانید پس از مطالعه‌ی هر قسمت، با پویش رمزینه‌ی مربوط به آن محتوا، نظر خود را (پسندیدم/نپسندیدم) به ما اعلام کنید. امیدوارم با نظرسنجی‌های دقیق بتوانیم به نیازمندی‌های همکاران محترم خودمان در بستر رشد آموزش ابتدایی پاسخ دهیم. پیشاپیش از شما بابت مشارکت در این نظرسنجی‌ها ممنونیم.

پی‌نوشت
۱. نجمه زارع، آموزگار پایه‌ی دوم ابتدایی، شیراز





ماه مدرسه.....

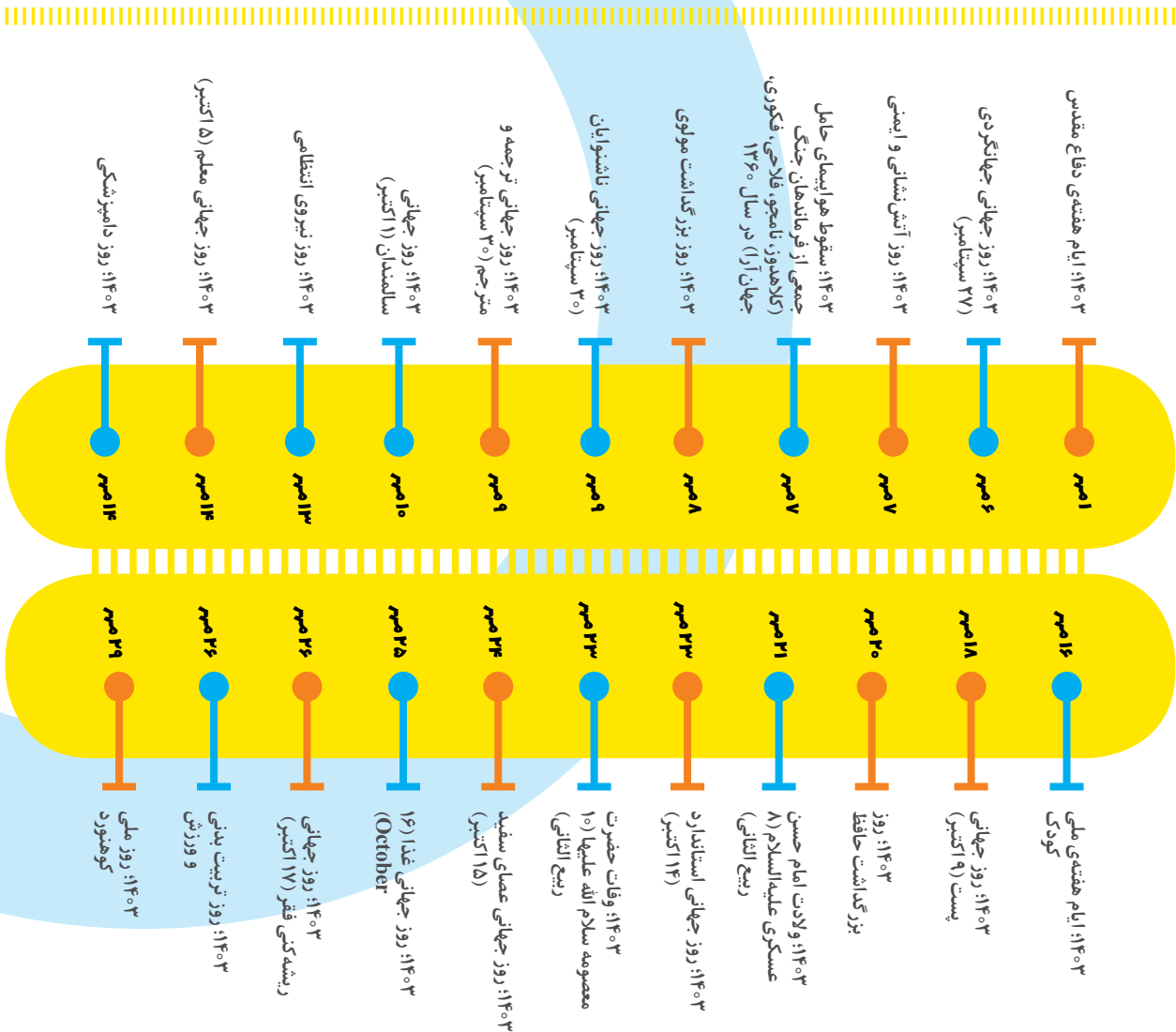


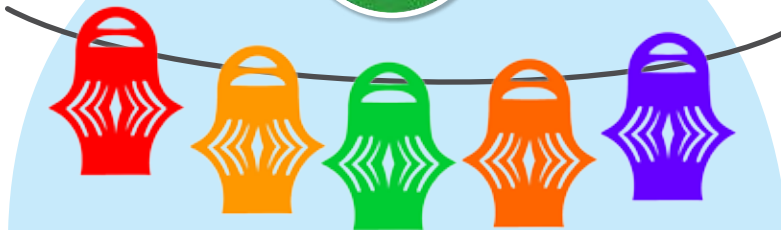
امیر ذوقی
کارشناس مدیریت فرهنگی و آموزگار
پایه سوم ابتدایی

از دغدغه‌های همیشگی معلمان این بوده است که چگونه مطلبی را برای دانش‌آموزانشان دل‌نشین‌تر و ماندگارتر آموزش دهند. طبیعی است روش‌های زیادی برای رسیدن به این هدف وجود دارند. یکی از این روش‌های جذاب و محک‌خورده استفاده از تقویم است.

از این روش به دو صورت می‌توان بهره برد: اول اینکه زمان تدریس، مباحث را متناسب با مناسبت‌های تقویم جابه‌جا کنیم تا هر موضوع در مناسبت مرتبط با خودش تدریس شود؛ چه بسا که بتوان از طرح درس‌های خلاقانه یا تلفیقی هم در آن مناسبت استفاده کرد. دوم اینکه خودمان و کلاسمان را برای رسیدن به مناسبت ماه آماده کنیم. این روند ما را به سمت تقویت هویت ملی و مذهبی سوق

می‌دهد و همچنین منجر به استفاده‌ی کاربردی از علوم و مهارت‌های فراگرفته‌شده برای پرداختن به آن مناسبت می‌شود. این روش یک پیش‌نیاز اصلی دارد که آن هم دانستن مناسبت‌های پیش‌روست. به همین منظور در این بخش، مناسبت‌های هر ماه قرار خواهد گرفت و برای برخی از آن‌ها ایده یا تجربه‌ای نقل خواهد شد. تقویم مهرماه به این شرح است:



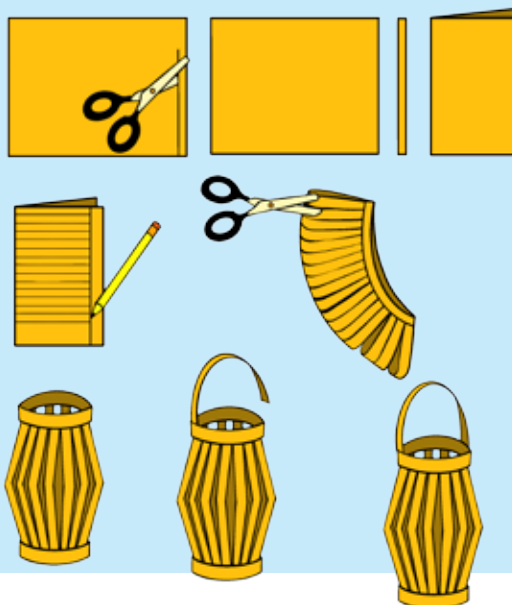


۲۱ مهر؛ روز ولادت امام حسن عسکری (ع)

یکی از فعالیت‌هایی که می‌توان در بیشتر مناسبت‌های ملی مذهبی انجام داد، تغییر ظاهر کلاس است. در این قسمت از مجله تلاش می‌کنیم هر بار نوعی از این تغییرات ظاهری کلاس را معرفی کنیم. این بار به سراغ ریسه‌های فانوس می‌رویم که با چند برگه‌ی کاغذ رنگی، به‌ازای هر دانش‌آموز، و مقداری نخ و چسب می‌توان آن را آماده و در کلاس نصب کرد.

مراحل ساخت فانوس کاغذی

۱. کاغذ را از وسط تا بزنید.
۲. از قسمتی که کاغذ را تا کرده‌اید، با قیچی، برش‌هایی را به‌صورت عمودی و رشته‌ای ایجاد کنید.
۳. ابتدا و انتهای فانوس (استوانه) را به هم بچسبانید یا منگنه کنید.
۴. برای اینکه بتوانید فانوس را آویزان کنید، دستگیره‌ای با کاغذ یا مقوا آماده کنید و به بالای فانوس بچسبانید.
۵. در آخر، فانوس‌ها را از محل دستگیره به نخ‌ی متصل کنید تا تبدیل به ریسه‌ای رنگی و جذاب بشود.



۱۸ مهر؛ روز جهانی پست

به بهانه‌ی این روز، معلم‌ان عزیز می‌توانند صندوق‌پستی‌ای بسازند و از بچه‌ها بخواهند دل‌نوشته‌ها، نامه‌ها و هر آنچه را نمی‌توانند رودررو به معلم خود بگویند، از طریق آن صندوق، برای معلم خود بفرستند. اگر امکانات فیزیکی مدرسه اجازه می‌دهد، می‌توان برای هر دانش‌آموز پاکتی را به‌عنوان صندوق پستی در نظر گرفت تا معلم و دانش‌آموز هر دو، در یک فرایند رفت و برگشتی، برای هم نامه بنویسند. در این تاریخ که روز جهانی پست نام گرفته است، می‌توان این صندوق‌های پستی را رونمایی کرد و فرایندهای مختص به آن را در این مناسبت توضیح داد. یکی از مباحثی که در پایه‌ی سوم تدریس می‌شود، آشنایی با پست و کلیات نامه‌نگاری است که طبق این ایده می‌توان آن مبحث را این‌گونه و در این روز خاص تدریس کرد. فارغ از پایه‌ی تحصیلی بچه‌ها، می‌توان از این ایده برای تقویت مهارت نوشتن و همچنین تقویت املا‌ی دانش‌آموزان نیز بهره برد. از دیگر ظرفیت‌های بهره‌برداری از این ایده و این روز تقویت ارتباط بین مربی و شاگرد و کارکردهای تربیتی آن است.





سمیه سورانی
کارشناس ارشد مدیریت آموزشی،
آموزگار پایه‌ی سوم ابتدایی شهر ملارد



الگوهای ابدی

تمام‌ساختی بودن در مکتب شهدا

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده میندازید، بلکه آن‌ها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند (آل عمران / ۱۶۹)).

یکی از مهم‌ترین شاهراه‌های نظام تعلیم و تربیت، الگوسازی و الگوپذیری است؛ چراکه عقربه‌ی دل‌ها مدام به سمت الگوها چرخش دارد. این چرخش از دیدگاه ارزشی ممکن است در جهت مثبت یا منفی باشد. الگوها به‌مثابه‌ی مغناطیسی قوی عقربه‌ی فکرها و ذهن‌ها را روی خود متوقف می‌سازند و انسان‌ها را مجذوب می‌کنند.

بر ما معلمان شایسته و بایسته است، طبق تعالیم قرآن و عترت، الگوهای واقعی را شناسایی و به آن‌ها تأسی کنیم تا در راه سازندگی خود و جامعه از خس و خاشاک دور بمانیم. شهدا، به‌ویژه معلمان شهید، الگوهای بی‌بدیلی هستند که با خون جاویدان خود، خدمتی از جنس سوختن و ساختن در جامعه دارند. معلمانی که پیشه‌ی آن‌ها آموزش و آموختن بود، می‌دانستند که علم بهتر از ثروت است و شهادت در راه حق بهتر از هر چیز دیگر.

به زبان آمار، کشور ما حدود ۵ هزار معلم شهید در دوران دفاع مقدس، ۱۵۸ معلم که قربانی وحشت‌افکنی (ترور توسط منافقین) شده‌اند و ۱۲ معلم که جان خود را برای دانش‌آموزانشان به خطر انداختند، دارد.

شهدا درس‌های فراوانی را به همگان آموختند و با خون سرخشان، کتاب چگونه زیستن را برای ما نگارش کردند. یکی از این معلمان شهید، استاد «مرتضی مطهری»، از معدود شخصیت‌هایی است که هم مرد میدان علم و هم مرد میدان عمل بود. امروز معلمان به‌خاطر این شهید بزرگوار، در وجودشان، احساس سربلندی و عزت دارند. ویژگی‌های علمی و اخلاقی ایشان بسیار بود و در این نوشته نمی‌گنجد؛ اما می‌توان گفت: «نظم و زمان‌شناسی از مهم‌ترین





درس‌هایی است که می‌توانیم از ایشان بیاموزیم و سرلوحه‌ی کارمان قرار دهیم.» یکی دیگر از این معلمان شهید، «محمدعلی رجایی»، دومین رئیس‌جمهور اسلامی ایران است. بارزترین ویژگی این شهید عزیز «ساده‌زیستی و مردمی بودن» او بود. وی همیشه سعی می‌کرد خود را هم‌سطح طبقات پایین جامعه بداند؛ چراکه می‌دانست فقر یعنی چه؟ «محمد نامدار مرادی»، معلم شهید دیگری است که طبعی لطیف و شاعرانه داشت. وی گاهی در خلوت دل می‌نشست و رشحات خامه‌ احساسش را بر اوراق دفتر می‌نگاشت. شعری قبل از شهادتش سروده است که به دو بیت آن اشاره می‌شود:

پاسدار انقلابم، حامی قرآن و دینم / نور چشم اهل ایمان، خار چشم مشرکینم
عشق قرآن، مهر الله، حب خلق و حب میهن / پاسداری زین هدف‌هایم شده با خون عجبینم
کمک به زدودن فقر در جامعه (فرهنگی و مادی) از ویژگی‌های بارز معلمان شهید «سید عبدالحسین عمرانی» و «محمد جوادی» بود. یکی از دلایل مقابله‌ی شهید عمرانی با رژیم پهلوی، جدای از فقر فرهنگی، فقر مادی مردم بود. کمتر نیازمندی را می‌توان در میناب و بشاگرد (محل زندگی ایشان) دید که از کمک‌های شهید عمرانی بی‌نصیب بوده باشد یا کمتر یتیمی را می‌توان یافت که دست مهربان و پدران‌های شهید عمرانی را حس نکرده باشد. شهید محمد جوادی نیز چهره‌ی شناخته‌شده‌ای نزد روستاییان و غمخوار مردم محروم آن منطقه بود. درعین حال معلمی با ایمان و باتقوا بود که زمزمه‌ی محبت امام را در گوش شاگردان خردسالش سر می‌داد.

شهید «سیدساعت‌الله هاشمی فشارکی» نیز از شهدای معلم بود. یکی از نقاط عطف سبک زندگی ایشان را می‌توان حساسیت به موضوع فرهنگ عنوان کرد. ایشان در وصیت‌نامه‌ی خود می‌نویسد: «شما نمی‌توانید تردید کنید که جهان‌خواران غرب و شرق برای به‌دست‌آوردن مقاصد شوم خود که ایجاد استعماری نو در جهان سوم است، از بهترین راه که همان هجوم به فرهنگ و ادب کشورهای ضعیف است، وارد می‌شوند.»

بردباری و تحمل سختی‌ها یکی از ویژگی‌های بارز معلم شهید «کرم‌الله رجبی» بود. همسر ایشان نقل می‌کند: «تا روستای

بزرگی برای جامعه‌ی تعلیم‌وتربیت محسوب می‌شوند و می‌توان رویکرد تمام‌ساحتی را از سبک زندگی آن‌ها استخراج کرد. امید است از این امر مهم یعنی الگوسازی معلمان شهید در تعلیم‌وتربیت غافل نشویم و این فرمایش مقام معظم رهبری را جامه‌ی عمل بپوشانیم: «بیان آنچه شهدا در زندگی‌شان عمل می‌کردند؛ چه‌جوری عمل می‌کردند، چه‌جوری رفتار می‌کردند، چه‌جوری خرج می‌کردند، به وظیفه چه‌جوری نگاه می‌کردند، این یکی از آن مسائل بسیار مهمی است که می‌تواند الگوسازی کند.»^۱

محل تدریسش چهارپنج ساعتی راه بود. روستایی به نام چهار روستا که الان بخش شده است. اولین سالی که آنجا می‌رفت، چون مسیر کوهستانی و سخت بود و جاده‌ای هم نداشت، مجبور بود پیاده برود؛ به همین خاطر کفش‌هایش همیشه پاره بودند.»

دغدغه‌ی شهید «علی‌اصغر فرجام» تربیت دانش‌آموزانی بود که بتوانند کشوری مستقل بسازند. وی در وصیت‌نامه‌اش می‌نویسد: «پیامم به فرهنگیان منطقه‌ی رزن این است که اولاً من را حلال کنید، ثانیاً دانش‌آموزان را یک انسان مسلمان واقعی تربیت کنید، ثالثاً از انجمن اسلامی رزن حمایت کنید و پیامم به دانش‌آموزان عزیز به‌عنوان یک معلم این است که برای نجات کشورتان از وابستگی کوشش کنید.»



جهت آشنایی با معلمان شهید ذکر شده، رمزینه را پویش کنید.

پی‌نوشت

۱. بیانات در دیدار اعضای ستادهای برگزاری همایش شهدای استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی. ۱۳۹۵/۰۷/۰۵

سخن پایانی

معلمان شهید سرمایه‌های معنوی بسیار

تفکر، کلید رشد

رضا دزبخش

کارشناس ارشد تفسیر قرآن

مریم خدادادی

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

باشد. در هر دوره‌ی سنی، قرآن خواندنی مطلوب است که باعث رشد انسان شود.

به‌منظور برنامه‌ریزی مناسب برای خواندن قرآن و بهره‌مندی از آن، باید دو موضوع را بررسی کرد:

● رشد چیست و انسان در هر مرحله از زندگی باید به چه سطحی از رشد برسد؟

● انسان در هر مرحله از زندگی چه اقتضائات و توان‌هایی دارد و چه نوع قرآن خواندنی برای او مناسب است؟

وقتی مفهوم «رشد» را در قرآن مطالعه می‌کنیم، متوجه می‌شویم شناخت عرفی ما از این مفهوم با آنچه خداوند معرفی می‌کند، متفاوت است. از منظر قرآن، رشد مخصوص انسان است و رشد طبیعی گیاهان و حیوانات، رشد به حساب نمی‌آید، حتی رشد طبیعی انسان هم رشد نیست. هر شکوفایی استعداد یا هر پیشرفتی هم برای انسان رشد محسوب نمی‌شود. رشد اصلاً مادی نیست، محدود به زندگی دنیا هم نیست؛ هرچند که رشد جسمی، شکوفایی استعدادها و مادی و پیشرفت‌های انسان در زندگی می‌تواند مقدمه‌ی

فقط قرآن است که همه‌ی توان انسان‌ها را بدون آسیب و به شکلی هماهنگ شکوفا می‌سازد و انسان را به رشد می‌رساند.

انسان به این دنیا آمده است تا رشد کند و به کمال برسد. بهشت جایگاه انسان رشدیافته است و این قرآن است که انسان را هدایت می‌کند، او را در مسیر کمال قرار می‌دهد و به رشد می‌رساند. امام کاظم علیه‌السلام می‌فرماید: «درجات بهشت به تعداد آیات قرآن است و به انسان گفته می‌شود بخوان و بالا برو». آن حضرت رشد و ارتقا را نتیجه‌ی قرائت قرآن معرفی می‌کنند (الکافی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۶۰۵). پس هدف از قرآن خواندن باید دریافت رشد و شکوفایی توان‌های درونی

قرآن سخن خدا و کتاب رشد و هدایت انسان است. هیچ کتابی مانند این کتاب نمی‌تواند همه‌ی نیازهای انسان را برآورده کند. قرآن نیازهای معنوی را به‌طور مستقیم و نیازهای مادی را با شکوفاکردن توان‌های انسان برآورده می‌سازد. عمل به فرامین این کتاب آسمانی توان‌های بالقوه‌ی انسان را فعال می‌کند و انسان توانمند می‌تواند نیازمندی‌های مادی خود را نیز تأمین کند. شاید بتوان چنین ادعا کرد که این



عکاس: نریا ابراهیمی



چیستی و سیر رشد، از منظر قرآن و اهل بیت^(ع)



رشد او باشند. واژه‌ی «رشد» به معنی شکوفایی توان‌های درونی انسان، در جهت خیر و صلاح فردی و اجتماعی اوست که منجر به اعتدالش می‌شود. بستر رشد انسان زندگی طبیعی او در دنیاست؛ اما حقیقت رشد، فقط با خارج شدن از ولایت شیطان، پذیرش دین خدا، قرارگرفتن در مسیر حق و طی کردن مسیری محقق می‌شود که خداوند تعیین فرموده است.

یکی از مهم‌ترین عوامل رسیدن به رشد «تفکر» است که در واقع کلید رشد به حساب می‌آید. نشانه‌ی رشد نزدیک‌تر شدن به خداوند و تجلی صفات او در انسان است (اخوت، ۱۳۹۴).

براساس مطالعاتی که در قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام صورت گرفته است، رشد انسان را می‌توان در شش دوره بررسی کرد (قاسمی، ۱۳۹۶). انسان رشدیافته در هر دوره از زندگی، انسانی معتدل و متناسب با سنش، دانا، توانا، مهربان و دوست‌داشتنی است. در دوره‌ی اول، انسان باید در بستر امن خانواده، در سطحی رشد کند که بتواند منظور دیگران را بفهمد و منظور خود را به‌شکل مؤدبانه به دیگران بفهماند.

در دوره‌ی دوم، انسان باید بتواند به‌واسطه‌ی مشورت با بزرگ‌ترهای اهل ایمان، کار درست را از بین کارهای متعدد تشخیص بدهد و اقدام به انجام آن کارها کند.

در دوره‌ی سوم، انسان باید به بلوغ عقلی برسد و حقوق خود و دیگران و کارها را بشناسد و به‌خوبی آن‌ها را ادا کند.

در دوره‌ی چهارم، انسان باید بتواند با دیگران ارتباط سازنده برقرار کند و منافع دیگران را به منافع خود ترجیح دهد.

در دوره‌ی پنجم، فرد باید برای حل مشکلات و ارتقای جامعه‌ی جریان‌سازی کند.

در دوره‌ی ششم، انسان باید به مرحله‌ی بندگی خدا برسد و جامعه را برای رسیدن به کمال، به‌سوی خدا راهبری کند.

قرآن‌خواندن رشد‌آفرین برای کودکان در دوره‌ی اول زندگی، یعنی از بدو تولد تا قبل از ورود به مدرسه، منحصر به تکرار شنیدن آیات است، به‌گونه‌ای که بچه‌ها به آیات محبت پیدا کنند و با آن‌ها انس بگیرند؛ زیرا کودکان در این دوره درک تفصیلی و عمیقی از مفاهیم و امور گوناگون ندارند. آن‌ها در عین حال به‌شدت از القانات محیط تأثیر می‌پذیرند، شنیدن و دیدنش‌ان فعال است و حافظه‌ی خوبی دارند. با توجه به این اقتضات، ارتباط مؤثر با قرآن در دوره‌ی اول

زندگی، فقط در سطح «انس با قرآن» است. به این صورت که کودک در فضایی شاد و بانشاط آیات قرآن را از پدر و مادر خود یا از طریق پخش صوت می‌شنود و به آن آیات علاقه‌مند می‌شود و با آن‌ها انس می‌گیرد، حتی به تدریج آیات را حفظ می‌کند. این «انس با قرآن» پایه‌ی ارتباط با قرآن در همه‌ی دوره‌های بعدی است. بیان مفاهیم سنگین آیات و سوره‌ها در ارتباط گرفتن کودک با قرآن اختلال ایجاد می‌کند. همچنین وادار کردن کودک به حفظ و حتی شنیدن قرآن، ممکن است در او کراهت ایجاد کند و مانع از قرائت و رشد مبتنی‌بر آن شود.

بستر رشد انسان زندگی طبیعی او در دنیاست؛ اما حقیقت رشد، فقط با خارج شدن از ولایت شیطان، پذیرش دین خدا، قرارگرفتن در مسیر حق و طی کردن مسیری محقق می‌شود که خداوند تعیین فرموده است

در دوره‌ی دوم، یعنی دوران ابتدایی اول و دوم، هم‌زمان با افزایش ظرفیت ادراکی کودکان، سطح ارتباط آن‌ها با قرآن نیز بالاتر می‌رود. در این دوره، همچنان شنیدن و خواندن سوره‌ها محور دریافت رشد هستند؛ با این تفاوت که لازم است از هر سوره یک پیام هم به کودک منتقل شود. البته انتقال پیام فقط با شنیدن یک نکته اتفاق نمی‌افتد، بلکه کودک باید این پیام را تجربه کند تا در وجود او به‌صورت یک باور ثبت شود. در این صورت است که کودک ضمن انس با یک سوره، به فهمی ساده اما درونی از آن سوره نیز دست پیدا می‌کند. به این سطح از ارتباط با قرآن اصطلاحاً «فهم قرآن» می‌گوییم. منظور از «فهم قرآن»، خواندن قرآن و فهم معنای الفاظ و عبارات آن نیست. لازم نیست معنی کلمات و ترجمه و تفسیر آیات و سوره‌ها را به بچه‌ها بگوییم. این مطالب برای آن‌ها جنبه‌ی آموزشی ندارد و باعث رشد آن‌ها نمی‌شود. چیزی که مهم است، انس با سوره‌ها و درونی‌شدن مفهومی ساده از آن‌هاست. در دوره‌ی سوم رشد، آگاهی فرد به نیازهایش بیشتر می‌شود. انسان در این دوران، درست یا غلط، فقط به اموری توجه می‌کند که به آن‌ها نیاز دارد. سطح ارتباط با قرآن در این دوره بالاتر می‌رود. به این صورت که ابتدا باید نیاز نوجوان به قرآن فعال شود، سپس این نوجوان، با کمک معلم، یک سوره را مطالعه کند، به معنی کلمات

و ترجمه‌ی آیات و ارتباط مفاهیم آن‌ها توجه کند تا پاسخ نیاز و پرسش خود را بیابد و براساس آن، عمل شایسته‌ای انجام دهد. به این ترتیب نیاز نوجوان به‌واسطه‌ی مفاهیم قرآن برآورده می‌شود و تفکر در وجودشان به بالندگی می‌رسد.

در دوره‌ی چهارم رشد، همه‌ی عناصر ادراکی و رفتاری در وجود انسان به شکوفایی می‌رسند تا او فهمیدن قرآن و عمل کردن به آن را اساسی‌ترین نیاز خود برای رسیدن به رشد و سعادت بداند. سطح ارتباط با قرآن در این دوره، «تدبر در قرآن» است. تدبر در قرآن به معنای درس گرفتن از آیات برای زندگی و بهره‌مند شدن از آیات است؛ یعنی خواندن قرآن برای فهمیدن و عمل کردن؛ یعنی برنامه‌ریزی کردن برای زندگی براساس آموزه‌های قرآن که همراه با در نظر گرفتن عاقبت امور و نتیجه‌ی کارهاست. در دوره‌های بعدی، فرد می‌تواند به سطح‌های بالاتر تدبر در قرآن که جنبه‌ی اجتماعی دارد، دست یابد. انس با قرآن از ابتدای زندگی و در تمام طول آن برای انسان مفید و لازم است. در دوره‌ی اول که امکان ارتباط با قرآن در سطح بالاتر برای فرد وجود ندارد، این سطح از قرآن‌خواندن کودک را به همه‌ی رشد لازم می‌رساند؛ اما در دوره‌های بعدی، اگر سطح قرائت بالاتر نرود، هرچند انسان فقط به‌واسطه‌ی انس نیز از قرآن بهره‌مند می‌شود، اما به همه‌ی رشدی که می‌تواند از قرآن دریافت کند، نمی‌رسد. همین شرایط برای سطح‌های بعدی هم وجود دارد و انسان بزرگ‌سال برای دریافت کامل رشد از قرآن، ناگزیر از تدبر در قرآن است.

منابع
 ۱. اخوت، احمدرضا، ۱۳۹۴، معناشناسی رشد، تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت علیهم‌السلام.
 ۲. شیخ کلینی، ۱۴۰۷، کافی، قم: دارالکتب الاسلامیه.
 ۳. قاسمی، مریم، ۱۳۹۶، نگاهی اجمالی به دوره‌های رشد تفکر اجتماعی، تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت علیهم‌السلام.



پرورش نسل امیدوار

راهکارهای عملی ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان

زهرا تیرایی

کارشناس ارشد تعلیم و تربیت اسلامی و آموزگار آموزش و پرورش بابلسر

از سویی دیگر، امر آموزش و پرورش همواره امری پیچیده و چندبعدی بوده است. برای آنکه بتوانیم در زمینه‌ی آموزشی و پرورشی در مدرسه‌ها به اهداف مورد نظر برسیم، باید به موارد متعددی همچون کیفیت برنامه‌ها، کیفیت محیط‌های آموزشی، شرایط معلمان و دانش‌آموزان و... توجه کنیم. یکی از مهم‌ترین این عوامل داشتن انگیزه و امید به آینده است. بنابراین صاحب‌نظران و صاحب‌منسبان، در عرصه‌ی تعلیم و تربیت، همواره در برنامه‌ریزی‌های خود باید به این اصل مهم توجه داشته باشند؛ چراکه

نیروی انسانی توانمند همواره شاه‌کلید موفقیت و آینده‌ای روشن برای جامعه به شمار می‌رود. اساس داشتن این نیروی انسانی در مدرسه‌ها و به‌طور کلی آموزش و پرورش پایه‌گذاری می‌شود. آموزش و پرورش همواره باید برای ایجاد انگیزه و امیدآفرینی در دانش‌آموزان بکوشد. متأسفانه در سال‌های اخیر عوامل زیادی مانند حضور نداشتن دانش‌آموزان در مدرسه در زمان کرونا، محتواهای نامناسب مجازی که گروه سنی دانش‌آموزان را مورد هدف قرار می‌دهند و... بخشی از دانش‌آموزان را به درس و مدرسه بی‌رغبت کرده است. ترویج نامیدی در دانش‌آموزان، کسالت و بی‌میلی به مدرسه و فعالیت‌های آن و مواردی این‌چنین از آسیب‌های این عوامل هستند. باید بتوانیم این آسیب‌ها را برطرف کنیم و امید را در دانش‌آموزان زنده و زنده‌تر سازیم. در این مقاله سعی شده است، به روش توصیفی تحلیلی، ابتدا این آسیب‌ها شناسایی و سپس راهکارهای عملی برای انگیزه‌بخشی و امیدآفرینی در دانش‌آموزان ارائه شود.

کلیدواژه‌ها: انگیزه، امیدآفرینی، دانش‌آموزان

مقدمه

امید به آینده پیشران اصلی حرکت و از مهم‌ترین اولویت‌های هر جامعه است. آنچه جامعه و ملت‌ها را به حرکت وامی‌دارد، امید رسیدن به آینده‌ای بهتر است. کافی است امید به آینده از کشور و ملتی گرفته شود، نتیجه روشن است؛ دیگر شاهد هیچ فعالیت و تلاشی نخواهیم بود (مولایی، ۱۴۰۱: ص ۱۲۰).





عکاس: امیرما کریمی



عکاس: سحر حسینی

- ✦ محیط زندگی، یعنی خانه و خانواده؛
- ✦ محیط آموزشی، یعنی مدرسه؛
- ✦ محیط تعاملات قانونمند، یعنی جامعه؛
- ✦ محیط رمزآلود مجازی.

باید تدبیرهایی اندیشیده شود که در وهله اول، دانش آموز به جایگاهی که دارد، آگاه و متعهد شود و بداند که باید برای سرفرازی خود، خانواده‌ی خود و کشور خود تلاش کند و آن‌ها را دوست بدارد. یکی از مهم‌ترین راهکارهایی که باعث امیدآفرینی و ایجاد انگیزه در دانش آموزان می‌شود، تقویت حس «وطن دوستی» است. پویانمایی‌هایی که در سطح دنیا برای مخاطب کودک ساخته می‌شوند، گویای اهمیت ایجاد حس وطن دوستی در کودکان هستند؛ مثلاً در پویانمایی بابا لنگ‌دراز، در شروع سال تحصیلی، روی موضوعاتی مثل احترام به رهبران بزرگ کشور، افتخار به کشور خود و تلاش برای سربلندی آن تأکید می‌شود. همچنین در این پویانمایی مشاهده می‌شود در همه‌جای مدرسه، حتی در سالن غذاخوری، پرچم کشورشان نصب شده است.

۶۶ فرق است میان انسانی که برای زیستن دلیل دارد و به‌سوی آینده می‌شتابد و انسانی که ایستاست و دلیلی برای رفتن و حرکت ندارد

برای نهادینه‌سازی حس وطن دوستی در دانش آموز راهکارهایی، متناسب با محیط‌هایی که با آن درگیر است، ارائه شده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

محیط خانواده

- مدیریت زمان و نحوه‌ی استفاده‌ی دانش آموزان از فضای مجازی؛
- پرهیز از تهیه‌ی گوشی مجزا برای کودکان و دانش آموزان؛
- نصب پیام‌رسان‌های ملی، به‌خصوص پیام‌رسان‌های دانش‌آموزی، به‌دلیل سلامت محتوا و تولید محتوای متنوع برای مخاطب کودک ایرانی؛
- پرهیز از تماشای محتوای مخرب هویت ملی در فضای مجازی؛
- پرهیز از خودتحقیری ملی در گفت‌وگوهای خانوادگی؛
- شرکت در برنامه‌های ملی همراه با دانش آموز (جشنواره‌ها، راهپیمایی‌ها و...).

بهترین برنامه‌ها، اگر انگیزه‌ای برای عمل به آن‌ها در مخاطبان نباشد، جز هدررفت منابع و زمان نتیجه‌ی دیگری نخواهند داشت. با توجه به اینکه نگارنده‌ی مقاله‌ی حاضر، خود در کسوت معلمی است، می‌تواند اذعان کند که در سال‌های اخیر، دلایلی از جمله مجازی شدن مدرسه‌ها (به‌دلیل بیماری کرونا) و تشکیل نشدن کلاس‌های حضوری و به‌دنبال آن صرف وقت طولانی‌مدت دانش‌آموزان در فضای مجازی به‌منظور (و چه بسا به بهانه‌ی) آموزش، تا حد زیادی، انگیزه و جدیت در دانش‌آموزان را کم کرده است. استفاده‌ی طولانی‌مدت از فضای مجازی، پرسه‌زنی در آن و دیدن الگوهای نامناسب در این چند سال، برای بعضی از دانش‌آموزان، به‌صورت عادت در آمده است. عادت‌هایی که به‌دنبال آن بی‌رغبتی برای امور دنیای واقعی، مانند فعالیت‌های آموزشی مدرسه را در بر دارد.

ضرورت امیدآفرینی

امید چرخ زندگی را به گردش در می‌آورد و موتور انگیزه و تلاش را پرشتاب می‌کند. فرق است میان انسانی که برای زیستن دلیل دارد و به‌سوی آینده می‌شتابد و انسانی که ایستاست و دلیلی برای رفتن و حرکت ندارد. امید به آینده در میان جوانان، به‌خصوص دانش‌آموزان، اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند؛ چراکه آن‌ها علاوه بر داشتن هدف‌های فردی، به‌عنوان نیروی انسانی توانمند در آینده، عناصری کلیدی نیز برای جامعه به حساب می‌آیند.

انگیزه به دو نوع درونی و بیرونی تقسیم می‌شود. تقویت‌کننده‌هایی چون پول، تأیید، احترام نمونه‌هایی از انگیزه‌های بیرونی هستند و برای انگیزه‌ی درونی نیز می‌توان به رضایت خاطر و احساس خوب از یادگیری اشاره کرد (احمدپوری، ۱۳۹۷: ص ۷). انجام برنامه‌های امیدآفرین و شادی‌آور می‌تواند، به‌عنوان انگیزه‌های بیرونی، موتور خاموش تلاش و حرکت در بعضی از دانش‌آموزان بی‌انگیزه را روشن و فعال کند. با تداوم این برنامه‌ها به‌تدریج انگیزه‌های درونی نیز در دانش‌آموزان ایجاد می‌شود.

ارائه‌ی راهکارهای عملی

به‌منظور تزریق امید در دانش‌آموزان و ایجاد انگیزه، برای جدیت در مسیر تعالی و موفقیتشان، باید محیط دانش‌آموزان را مهیا سازیم:

- #### مدرسه
- ◆ نصب پرچم در حیاط مدرسه؛
 - ◆ ادای احترام به پرچم و خواندن سرود ملی در طول سال تحصیلی در برنامه‌ی صبحگاهی؛
 - ◆ تهیه‌ی پرچم‌های کوچک به تعداد همه‌ی دانش‌آموزان (در کلاس نگهداری شوند) و استفاده از آن‌ها در جریان جشن‌های متعدد مدرسه (دهه‌ی فجر، روز دانش‌آموز و...)
 - ◆ نصب نقشه‌ی ایران در همه‌ی کلاس‌ها (در کنار تابلوی کلاس) و توجه معلم به استفاده از آن؛
 - ◆ غنی کردن کتابخانه‌ی مدرسه از کتاب‌های

- ◆ ایجاد صندوق جایزه در مدرسه و اعطای به موقع آن‌ها؛
- ◆ تداوم بر اجرای ورزش صبحگاهی؛
- ◆ معرفی دانش‌آموزان موفق در برنامه‌ی صبحگاهی و صحبت در مورد تلاش‌هایشان برای رسیدن به این عنوان؛
- ◆ تدارک برنامه‌های گردش علمی، هر چند ساده (رفتن به مسجد محل، رفتن به نانویی محل)؛
- ◆ برگزاری مناسبت‌های متعدد در مدرسه (جشن‌های میلاد ائمه (ع)، دهه‌ی فجر و...) با برنامه‌های جذاب و شادبخش و خارج از روند تکراری مطلب‌خوانی صرف؛
- ◆ برگزاری مسابقات متعدد در سطح مدرسه (مسابقات کتابخوانی، ورزشی و...).

نتیجه‌گیری

در نگاه اول، شاید تصور شود راهکارهایی که برای ایجاد امیدآفرینی و انگیزه در دانش‌آموزان گفته شده‌اند، زمان‌بر و هزینه‌بردار هستند و به‌خصوص با شرایط مدرسه‌های دولتی هماهنگی ندارند؛ اما با نگاهی دقیق‌تر متوجه می‌شویم که بسیاری از موارد گفته‌شده در مدرسه‌ها انجام می‌شوند؛ ولی متأسفانه بنا به دلایلی، به‌صورت سطحی و در حد رفع تکلیف و دادن گزارش به اداره انجام می‌شود. کافی است خودمان کمی چاشنی تعهد و دلسوزی به وطن و دانش‌آموزان این وطن را در خود زنده‌تر سازیم. گواه این نتیجه‌گیری پژوهش‌های متعددی است که در این مورد انجام شده است و نشان می‌دهد هرگاه معلم (اولیای مدرسه) انگیزه‌ی درونی به درس و فعالیت داشته باشد، می‌تواند این انگیزه را به دانش‌آموزان خود نیز منتقل کند.^۱

پی‌نوشت

۱. این مقاله خلاصه‌ی مقاله‌ای است که در همایش «آموزش و پرورش و ارزش‌ها» در آذرماه سال ۱۴۰۲ برگزار شده است. مقالات این همایش در نوبت نمایه‌سازی در سیویلیکا هستند.

منابع

۱. احمدپوری، یونس، ۲۰۱۷، «روش‌های چگونگی ایجاد نشاط و شادابی در مدارس و ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان»، همایش دانشگاه شیراز.
۲. عریضی، حمیدرضا و دیگران، ۱۳۸۶، «رابطه‌ی رفتارهای معلم با سرزندگی و انگیزش درونی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر اصفهان»، فصلنامه‌ی نوآوری‌های آموزشی، شماره‌ی ۲۳، صفحات ۲۸-۱۳.
۳. مولایی، مرتضی، ۱۴۰۱، «ارائه‌ی الگوی امید به آینده در اندیشه‌ی امام خامنه‌ای»، فصلنامه‌ی علمی پژوهشنامه‌ی انقلاب اسلامی، شماره‌ی ۴۳، صفحات ۱۳۶-۱۱۹.

- وطن‌دوستی.
- در ادامه، راهکارهایی برای ایجاد امیدآفرینی و انگیزه در دانش‌آموزان ارائه می‌شوند:
- ◆ حفظ کرامت انسانی و احترام به دانش‌آموزان جدای از وضعیت تحصیلی آن‌ها؛
- ◆ توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در سطح کلاس و مدرسه؛
- ◆ توجه به شاداب کردن فضای مدرسه (لباس‌های متحدالشکل دانش‌آموزی، نقاشی‌های کودکانی دیوارهای مدرسه و کلاس، تمیز و خوش‌بو بودن نمازخانه، زیبا بودن قفسه‌ی کتابخانه، به‌روزرسانی و تمیز بودن کتاب‌ها)؛

- بزرگان ایران (شاعران و اندیشمندان) و استفاده از آن‌ها در برنامه‌ها؛
- ◆ آشناسازی دانش‌آموزان با بزرگان ایرانی با تدارک برنامه‌های متعدد و جذاب؛
- ◆ توجه به مناسبت ملی مانند روز داروساز به نام زکریای رازی، روز مهندس به یاد خواجه نصیرالدین طوسی و...؛
- ◆ پرداختن به هویت ملی و بزرگان ملی در زنگ‌های انشائویی و سایر برنامه‌های قابل جولان (مانور)؛
- ◆ تشکیل و فعال کردن گروه‌های سرود؛
- ◆ اجرای سرودهای همگانی توسط همه‌ی دانش‌آموزان با موضوعات هویت ملی و





کلاسی با کلاس

محمد سبحانی

کارشناس مددکاری اجتماعی و عضو بنیاد
تعلیم و تربیت برهان



حرف بزنند و شاید این موضوع برای یک معلم اصلاً خوب نبود. برای رفع این مشکل، نخست کمی پرس‌وجو کردم تا ببینم بهترین راه چیست. آیا من نباید با بچه‌های کلاس صمیمی می‌شدم؟ آیا کلاس نباید اصلاً شلوغ باشد و بچه‌ها نباید با هم هیچ حرفی بزنند یا اینکه باید راهی را پیدا می‌کردم که بتوانم این مسئله را مدیریت کنم؟ یکی از راه‌هایی که قرار شد از آن استفاده کنم، گذاشتن قانون در کلاس بود.

بدین منظور، برنامه و داستانی را برای خودم چیدم تا بتوانم هدفم را پیاده کنم. وقتی وارد کلاس شدم و بچه‌ها شروع به حرف زدن کردند، من کاملاً ساکت شدم. همین سکوت من باعث شد بچه‌ها هم ساکت شوند. دوست داشتم ساکت نمی‌شدند تا من مثلاً ناراحت می‌شدم و در ادامه به آن‌ها می‌گفتم که این طوری نمی‌شود و باید راهی پیدا کرد؛ اما بچه‌ها ساکت شدند. خوب، پس راهی برای سکوت بچه‌ها پیدا کرده بودم. به همین سبب، سراغ برنامه و داستانی که در نظر گرفته بودم، نرفتم.

روز دیگری که می‌خواستم الگو را تدریس کنم، دیدم بچه‌ها در حال حرف زدن هستند. روی تخته نوشتم: ساکت، ساکت، ساکت، سکوت و...

نمی‌رود. از او خواستم اطلاعات دقیق‌تری بیان کند و بگوید که کلاس او به چه شکل است. او مشکلش را چنین عنوان کرد: «بچه‌ها در کلاس من زیاد حرف می‌زنند. البته خودم به این موضوع حساس نبودم، تا اینکه یکی از همکاران با سابقه‌تر به من گفت که کلاس باید کاملاً ساکت باشد تا بچه‌ها بتوانند درس را یاد بگیرند. همین موجب شده است من تمرکز به هم بریزد و در کلاس، احساس خوبی نداشته باشم.»

قبل از اینکه به ایشان جوابی بدهم، سعی کردم گذشته‌ی خودم را مرور کنم. تقریباً سال‌های اول تدریس بود که من هم کمی ترس داشتم از اینکه شخصی کلاس مرا ببیند و بگوید این دیگر چه کلاسی است و چرا همه با هم حرف می‌زنند و چه معلم ناتوانی و از این قبیل حرف‌ها. اوایل به‌خوبی با دانش‌آموزان ارتباط می‌گرفتم؛ اما این صمیمیت باعث می‌شد بچه‌ها در کلاس با هم

سال گذشته با طرح درس‌های مسئله‌محور در خدمتستان بودیم. الحمدلله توانستیم در مورد قالب‌های متعدد مسئله‌محوری صحبت کنیم و مثال‌های زیادی نیز در این زمینه بیان کردیم. امسال هم می‌خواهیم مثال‌های دیگری را برایتان ترسیم کنیم و نمونه‌های گوناگونی از قالب‌های مسئله‌محوری را به شما نشان دهیم؛ اما قبل از آن لازم است یکی از ملزومات اجرای طرح درس را برایتان شرح دهم. این نوشتار تجربه‌ای است که در راستای این مطلب بیان می‌شود: حدود یک سال قبل، یکی از آموزگاران دوره‌ی ابتدایی مسئله‌ای را با من در میان گذاشت و عنوان کرد که من خیلی سخت می‌توانم کلاس را اداره کنم؛ به همین سبب کلاس به‌خوبی پیش



دارد. یک دفعه هم در کلاس چنین چیزی را پیاده کردم؛ یکی دو روز خودم کاری کردم که کلاس نامنظم پیش برود. کم کم خود بچه‌ها به اهمیت قانون و وضع آن پی بردند. در مرحله‌ی بعد، از خود دانش‌آموزان خواستم تا گروه‌گروه شوند و قوانینی را که به نظرشان می‌رسد، بگویند و یادداشت کنند. بچه‌ها قوانین را نوشتند و بعد از بررسی، چند قانون انتخاب شد؛ مانند اینکه در کلاس خوراکی خوردن ممنوع باشد؛ ولی آب خوردن اشکالی نداشته باشد یا اینکه بدون اجازه بیرون رفتن از کلاس ممنوع و... با هم‌فکری و همکاری خود بچه‌ها برای این قوانین چسبانقش‌هایی (استیکرهای) را طراحی کردیم. هر گروه چند مورد از این قوانین را روی مقوا و کاغذ درست کردند و در جاهای متعدد کلاس نصب شد. شاید برایتان سؤال باشد که اگر شخصی قانون را رعایت نمی‌کرد، چه می‌کردیم. ما برای این موارد مجازاتی در نظر نگرفتیم و اگر کسی خلاف قانون عمل می‌کرد، خود بچه‌ها

و بچه‌ها به یکدیگر دارند. گاهی فراموش می‌کنیم از این موهبت بزرگ استفاده کنیم. خلاصه من تصمیم داشتم، به صورت مسئله‌محور، قانون‌گذاری در کلاس را اجرا کنم؛ یعنی می‌خواستم به گونه‌ای رفتار کنم که خود بچه‌ها به این موضوع برسند که ما نیاز به قانون داریم. یک بار هم اردویی را طراحی کردیم که در آن هیچ قانونی وضع نشده بود و هر کس هر کاری که دوست داشت، انجام می‌داد. البته مراقب اتفاقات خطرناک بودیم؛ مثلاً نان را وسط گذاشته بودیم و هر کس هر تعداد نان می‌خواست، برای صبحانه برمی‌داشت. به همین سبب، به خیلی‌ها نان و صبحانه نرسید یا برای شربت دادن صف تشکیل نشد یا برای بازی‌ها تدارکی ندیده بودیم و... در آخر بچه‌ها را جمع کردیم و از آن‌ها در مورد اردو سؤال پرسیدیم. تقریباً بیشتر دانش‌آموزان ناراضی بودند. بعد هم نشستیم و در مورد اردو مفصل گفت‌وگو کردیم. خود بچه‌ها به این موضوع اشاره کردند که اردو نیاز به نظم و قانون

همه‌ی بچه‌ها روی تخته را خواندند و خودشان وارد فضای درس شدند. حس کردم با این کارها به راحتی می‌توان رفتار بچه‌ها را مدیریت کرد. روزی هم در حال تدریس علوم بودم که دیدم همه‌ی بچه‌ها در حال حرف زدن هستند. کلاس را نگاه کردم. متوجه شدم تقریباً همه‌ی آن‌ها در حال صحبت کردن در مورد مطالب من هستند و با اینکه کلاس شلوغ است، اما همه در حال یادگیری مطلب هستند. با خودم فکر کردم شاید این پویایی خیلی بهتر از حالتی است که همه ساکت باشند و شاید کسی چیزی یاد بگیرد یا نگیرد! پس این روش دیگری بود که توانستم کاری کنم بچه‌ها در زمین من معلم بازی کنند و در مورد چیزهایی که می‌خواهم، حرف بزنند. کار دیگری که انجام شد این بود که شکل نشستن دانش‌آموزان را تغییر دادم. همین اتفاق پویایی بیشتری به کلاس بخشید؛ مثلاً بچه‌ها به صورت U یا به صورت گروهی (چهار نفره و دوبه‌دو روبه‌روی هم) نشستند. همچنین چند باری هم کلاس را در جاهای متعدد دیگر مدرسه مثل حیاط، راهرو و حتی نمازخانه برگزار کردیم که همین باعث جذابیت کلاس می‌شد.

جایی خوانده بودم که دانش‌آموزان فقط می‌توانند زمان کوتاهی تمرکز کنند و بعد از چند دقیقه باید فضای آن‌ها را تغییر داد. برای همین حالت‌های متعدد را نیز آزمایش کردم. یکی از بهترین حالت‌ها این بود که کلاس را در هر زنگ ۴۵ دقیقه‌ای به دو بازه‌ی زمانی، گاهی حتی به سه بازه‌ی زمانی، تقسیم کنیم؛ بدین گونه که مثلاً در ابتدا درس مورد نظر را تدریس کنیم. بعد در مورد موضوعی که درس داده‌ایم، یک بازی یا آزمایشی طراحی کنیم و به آن‌ها بپردازیم.

در این میان به نکته‌ی مهمی پی بردم؛ زمان‌هایی که من طرح درس خاصی نداشتیم و فقط می‌خواستم به بچه‌ها بگویم که کتاب را باز کنید و بخوانیم و پیش ببریم، کلاس خیلی خوب پیش نمی‌رفت. این زمان‌ها طوری بود که گویا بچه‌ها می‌دانستند من طرح درس خاصی ندارم و خیلی دل به کلاس نمی‌دادند. به همین سبب، از آن زمان به بعد، تصمیم گرفتم با برنامه‌ریزی وارد کلاس شوم و تقریباً همیشه آن را رعایت کرده‌ام. گاهی هم وقتی دانش‌آموزان حس می‌کردند که من ممکن است از دستشان ناراحت شوم یا می‌دیدند که من اخم‌هایم در هم رفته است، به یکدیگر تذکر می‌دادم و معمولاً کلاس جمع می‌شد. این به بحث محبتی برمی‌گردد که مربی



عکاس: اعظم لاریجانی



موظف بودند به او تذکر دهند. همین امر موجب شد که خیلی چالش نداشته باشیم. بین خودم و بچه‌ها هم علامت‌هایی داشتیم که مثلاً وقتی می‌گفتم: یک و دو و سه، همه مانند بلندگو تکرار می‌کردند و بعد ساکت می‌شدند یا مثلاً اگر دستم را بالا می‌آوردم و کف دستم را نشان می‌دادم، همه ساکت باشند و وقتی برمی‌گرداندم، همه حرف بزنند و...

گاهی هم بچه‌ها خسته بودند و نیاز بود با آن‌ها بازی ساده‌ای انجام دهم تا سرحال شوند؛ مثلاً همه را بلند می‌کردم تا یک ورزش ساده انجام دهند، مثل بشین و پاشو... پس این هم نکته‌ی مهمی است که گاهی وقتی می‌بینیم فضای کلاس مناسب نیست، بهتر است فضای تدریس را عوض کنیم.

بعضی وقت‌ها هم حس می‌کردم که شکل تدریس من به گونه‌ای است که بچه‌ها خیلی به آن علاقه نشان نمی‌دهند و کلاس مورد پسند نیست. به همین علت شکل‌های گوناگون تدریس را هم امتحان می‌کردم و می‌دیدم که واقعا هر چقدر فضای کلاس به سمت تدریس‌هایی با قالب مسئله‌محوری و اکتشافی... می‌رود و از فضای سنتی فاصله می‌گیرد، کلاس راحت‌تر مدیریت می‌شود. البته معنی کلاس مطلوب این نیست که همه ساکت باشند. گاهی کلاس باید متفاوت باشد. یادم است در یکی از کلاس‌ها که بچه‌ها قرار بود کار مشارکتی انجام دهند و هر گروه داشت کار خودش را انجام می‌داد، یکی از همکاران وارد کلاس ما شد و دید که همه در حال حرف‌زدن با یکدیگر هستند. اول فکر کرد کلاس کاملاً از دست من خارج شده است؛ ولی وقتی کمی در کلاس ماندم، مطمئن شد که کلاس کاملاً تحت نظارت و مدیریت من است. این همان کلاسی بود که من دوستش داشتم و بعد از آن، تقریباً هر سال به همین منوال پیش رفتم.

این خاطرات را برای آن آموزگار تعریف کردم. آن آموزگار هم این روش‌ها را پیش گرفت. وقتی جویای احوال او شدم، خیلی از اوضاع کلاسش راضی بود و گفت که همه چیز خوب است.

جمع‌بندی

آنچه را تا اینجا در قالب یک تجربه بیان کردم، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد:

۱. داشتن طرح درس؛ منظور از طرح درس در اینجا داشتن برنامه‌ریزی در کلاس است، به گونه‌ای که وقتی وارد کلاس می‌شویم، بدانیم

قرار است چه کارهایی انجام دهیم. این برنامه را می‌توانیم از شب قبل برای خودمان مرور کنیم. گاهی با خودمان فکر می‌کنیم که ما با توجه به اینکه این همه سال تدریس داشته‌ایم، الان دقیقاً می‌دانیم چه کاری را می‌خواهیم انجام دهیم؛ اما این تفکر خیلی درست نیست. آموزگار، هر چند با سابقه، باز هم باید با برنامه‌ریزی قبلی وارد کلاس شود.

۲. تقسیم ساعت کلاسی به دو یا سه بازه‌ی زمانی؛

برای ابتدایی دوره‌ی اول، تقسیم کلاس به سه بازه‌ی زمانی مناسب است؛ ولی برای دوره‌ی دوم دو قسمت کفایت می‌کند؛ مثلاً اگر می‌خواهیم ضرب را تدریس کنیم، در قسمت اول کلاس، آموزگار باید طبق طرح درسی که دارد، پیش برود. در قسمت دوم کلاس، باید یک بازی را ترتیب دهد که ضرب‌های گوناگون را با بچه‌ها تمرین کند و در قسمت سوم (اگر زمان رسید)، بهتر است کاری گروهی صورت گیرد که در آن ضرب تمرین شود؛ مثلاً حل تمرین یا مسئله یا آزمایش و فضای اکتشافی و...

۶. زمان‌هایی که من طرح درس خاصی نداشتم و فقط می‌خواستم به بچه‌ها بگویم که کتاب را باز کنید و بخوانیم و پیش بریم، کلاس خیلی خوب پیش نمی‌رفت.

این زمان‌ها طوری بود که گویا بچه‌ها می‌دانستند من طرح درس خاصی ندارم و خیلی دل به کلاس نمی‌دادند

۳. تغییر فضای کلاسی و استفاده از محیط‌های گوناگون برای کلاس؛

در واقع دانش‌آموزان نباید این احساس را داشته باشند که کلاس فقط همین چهاردیواری است که در آن هستند؛ بلکه آن‌ها باید حس کنند که همه‌جا را می‌توان بستری برای تدریس و آموزش و یادگیری در نظر گرفت. بنابراین از منزل بچه‌ها و حیاط مدرسه گرفته تا راهرو و نمازخانه... می‌توانند فضای کلاسی ما باشند پس خودمان را محدود نکنیم. همچنین می‌توانیم در نحوه‌ی نشستن بچه‌ها در کلاس تنوع ایجاد کنیم؛ مثل نشستن ماشکلی، دایره‌ای، گروهی و... حتی گاهی دیده‌ام که تکه‌ای موکت، در گوشه‌ی کلاس یا دفتر، وجود دارد که برخی از معلم‌ها از آن استفاده می‌کنند تا دانش‌آموزان دور هم و روی موکت بنشینند.

۴. قانون‌گذاری؛ بهتر است، تا جای ممکن، خود بچه‌ها این قانون‌گذاری را انجام دهند و تصویب و انتخاب آن قوانین از رفتارگرایی فاصله داشته باشد. یعنی طوری عمل کنیم که خود دانش‌آموزان حس کنند اگر قانون نباشد، به مشکل برمی‌خورند. سپس با کمک خودشان قانون‌گذاری اتفاق بیفتد. بعد هم خودشان این قانون‌ها را در کلاس نصب کنند. بهتر است حواسمان باشد که همه چیز را تبدیل به قانون نکنیم و در این امر زیاده‌روی صورت نگیرد تا آزادی عمل بچه‌ها گرفته نشود. اگر قوانین زیاد و بیهوده باشند، بچه‌ها آن‌ها را نقض می‌کنند و در نتیجه، حرف معلم بی‌اثر جلوه می‌کند.

۵. بازی کردن دانش‌آموزان در زمین معلم؛

گاهی دانش‌آموزان در راستای حرف معلم با هم گفت‌وگو می‌کنند. این گفت‌وگو متفاوت است با زمانی که شخصی بخواهد کلاس را به هم بریزد. اتفاقاً گاهی می‌توان حرف‌های بچه‌ها را شنید و اجازه داد بچه‌ها هم در مورد مطلب خاصی با یکدیگر گفت‌وگو کنند.

۶. استفاده از محبت و ولایت مربی (معلم) در کلاس؛

اگر معلم به خوبی با دانش‌آموزان ارتباط بگیرد، این محبت باعث می‌شود کلاس هم تحت مدیریت و نظارت معلم قرار بگیرد.

۷. استفاده از طرح درس‌های خلاق و به خصوص مسئله‌محور؛

در مورد مسئله‌محوری مفصل صحبت کرده‌ایم. کافی است از این نوع طرح درس‌ها استفاده کنیم تا تفاوت‌ها را با حالت‌های سنتی ببینیم. البته ناگفته نماند که گاهی در اجرای طرح درس‌های مسئله‌محور، نیاز است کلاس خیلی پویا باشد و حتی گاهی لازم است که همه‌ی دانش‌آموزان ایستاده طرح درس را دنبال کنند. این به معنی اداره نکردن و از دست خارج شدن کلاس نیست.

۸. مسئولیت‌دادن و درگیر کردن خود دانش‌آموزان در تدریس؛

معمولاً معلم‌ها از این روش استفاده می‌کنند؛ مثلاً دانش‌آموزی مسئول ارائه‌ی مطلبی به گروه خود می‌شود یا دانش‌آموز دیگری مسئول هماهنگی کارهای گروهی می‌شود و در همین حین، هر گروه کار خود را پیش می‌برد و آموزگار فقط نقش تسهیلگر را دارد.

کاربرگ بسازیم

طراحی کاربرگ‌های الکترونیکی جذاب

دارد. به محض وارد کردن هر کدام از عناصرها به صفحه، می‌توانید ویژگی‌های آن‌ها را تغییر دهید.



شکل ۱

نحوه طراحی کاربرگ

۱. طراحی را با باید از مسیر Templates شروع و با توجه به موضوع، از قالب‌های آماده استفاده کنید (شکل ۲)، با باید با فایل خالی این کار را انجام دهید.



شکل ۲

۲. برای اعمال تنظیمات صفحه، از فهرست جعبه‌ابزار استاندارد، گزینه‌ی page frame را از طریق setup را تلیک کنید (شکل ۳)، یا از طریق منوی File-Edit page Frame تنظیمات را انجام دهید. با ورود به این منو، صفحه‌ی تنظیمات در سمت راست باز می‌شود (شکل ۴). این صفحه سه قسمت دارد: Header, Exercise Sections, Footer در قسمت Header می‌توانید نام، تاریخ، پایه و عنوان را اضافه و تعداد ستون‌ها را مشخص کنید (شکل ۵). در قسمت Exercise sections می‌توانید بدنه‌ی کاربرگ را تنظیم کنید



با پوشش رمزیننه، فیلم آموزشی نرم‌افزار را ببینید.

خود را طراحی و چاپ کنند. همچنین معلمان می‌توانند از طریق این برنامه کاربرگ‌های خود را در قالب‌های متعددی مانند پی‌دی‌اف، ورد، اچ‌تی‌ام‌ال^۵ و تصویر ذخیره کنند. از ویژگی‌های این نرم‌افزار قابلیت کاربرد آن در سامانه‌های (سیستم‌های) عامل مک و ویندوز و پشتیبانی از زبان فارسی است. با این نرم‌افزار می‌توانید:

- برگه‌های تمرین و آزمون را به شکل مناسب برای هر درس و هر مطلب طراحی و سفارشی کنید.
- جورچین و بازی‌های گوناگون آموزشی را طراحی کنید و آن‌ها را در کلاس ارائه دهید.
- صفحات کتاب‌های آموزشی را به شکل حرفه‌ای و جذاب طراحی کنید.
- سؤالات چندگزینه‌ای و تصحیح خودکار آن‌ها را تهیه کنید.
- دفترک‌های (بروشورهای) آموزشی را طراحی کنید.
- کاربرگ‌ها را طراحی کنید و به صورت برخط آن‌ها را به اشتراک بگذارید.

آشنایی با محیط نرم‌افزار و کشف کرافتر

ابتدا این نرم‌افزار را بارگیری (دانلود) و نصب کنید. با اجرای نرم‌افزار، پنجره‌ای باز می‌شود که فهرست جعبه‌ابزار استاندارد (ایجاد و ذخیره و تنظیمات صفحه) را نشان می‌دهد (شکل ۱). در سمت چپ، فرمانگاه (پنل) جعبه‌ابزار وجود دارد که از طریق آن می‌توانید عناصر (المان‌های) متعددی را که در طراحی کاربرگ‌ها و آزمون‌ها استفاده می‌شود، وارد صفحه کنید. در سمت راست، صفحه‌ی تنظیمات مربوط به هر عنصر وجود

بیبا شکوری

دکترای ریاضی کاربردی، مدرس فناوری دانشگاه

فرهنگیان تبریز

ورک‌شیت کرافتر برنامه‌ای کاربردی است که به معلمان اجازه می‌دهد به‌سادگی و با سرعت بالا کاربرگ‌ها، جورچین‌ها، آزمون‌ها و سایر فعالیت‌های آموزشی را برای دانش‌آموزان خود طراحی کنند. این نرم‌افزار با ویرایشگر قدرتمند و ارائه‌ی قالب‌های گوناگون به کاربران قابلیت سفارشی کردن کاربرگ‌های آموزشی و استفاده از آن‌ها را در نرم‌افزارهای دیگر، از جمله ورد، می‌دهد. در این مقاله، قابلیت‌های این برنامه و امکانات آن در طراحی کاربرگ‌های حرفه‌ای و خلاقانه معرفی خواهند شد.

کلیدواژه‌ها: کاربرگ، ورک‌شیت کرافتر، نرم‌افزار، ویرایشگر

مقدمه

ورک‌شیت کرافتر^۱ برنامه‌ای رایانه‌ای است که شرکت نرم‌افزاری آلمانی با مسئولیت محدود، به نام اسکول کرافت^۲، آن را ارائه کرده است؛ نرم‌افزاری که موارد استفاده‌ی بسیاری دارد و طراحی فعالیت‌های آموزشی برای دانش‌آموزان یکی از آن موارد است. این برنامه قابلیت طراحی انواع کاربرگ‌ها را در درس‌های ریاضی، فارسی، عربی، زبان انگلیسی و... داراست. با استفاده از این برنامه، معلمان می‌توانند به‌سادگی و با سرعت و کیفیت بالا، از طریق ابزارهای متعددی که در برنامه موجود است، طرح‌ها، تصویرها، شکل‌های متعدد، جدول‌ها و نمودارهای برگه‌های تمرینی، سؤالات چندگزینه‌ای، صفحات رنگی و سایر فعالیت‌های آموزشی شخصی‌سازی شده برای دانش‌آموزان

یا از صفحه‌ی جعبه‌ابزار، گزینه‌ی A را انتخاب کنید و در هر ردیف یا ستون قرار دهید و متن مورد نظرتان را در آن بنویسید. تنظیمات قلم(فونت)، اندازه، رنگ و تراز از قسمت منوی بالا صورت می‌گیرد.

با انجام این مراحل می‌توانید فعالیت‌های آموزشی مورد نیازتان را به‌صورت خلاقانه طراحی کنید. با وارد کردن هر عنصر و نمایش پنجره‌ی تنظیمات، در صفحه‌ی سمت چپ، می‌توان ویژگی‌های عنصر را تغییر داد (شکل ۱۱).

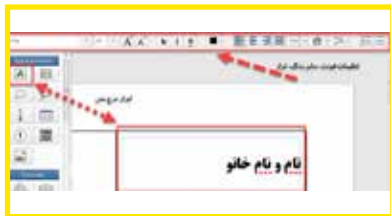
برای پاک کردن هر عنصر در صفحه، می‌توان از طریق کلیک‌راست، گزینه‌ی Delete item را انتخاب کرد یا بعد از انتخاب عنصر مورد نظر از صفحه کلید دکمه‌ی Delete را فشار داد.



شکل ۱۱

ذخیره‌کردن کاربرگ

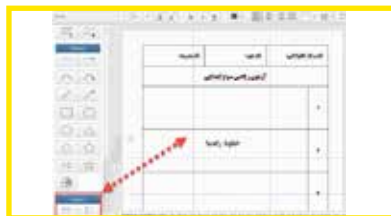
بعد از تمام‌شدن طراحی می‌توانید از مسیر File-Export as PDF.. در قالب پی‌دی‌اف و در سه حالت (فقط کاربرگ، فقط پاسخنامه و کاربرگ به همراه پاسخنامه) خروجی بگیرید



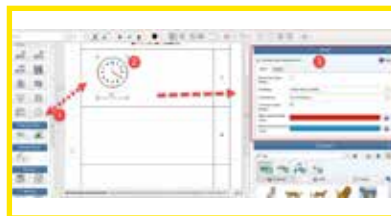
شکل ۱۲

شما همچنین می‌توانید هر کاربرگی را که در این نرم‌افزار طراحی کرده‌اید، در نرم‌افزارهای دیگر مثل ورد، پاورپوینت و... وارد کنید. بدین‌منظور کافی است از منوی Page - copy worksheet page to clipboard، کاربرگ را بردارید (copy) و سپس آن را در نرم‌افزار ورد بچسبانید (paste).

نکته: برای طراحی سؤالات می‌توانید با رفتن به مسیر View- Show Layout Grid، صفحه را شطرنجی کنید و از طریق جعبه‌ابزار، در قسمت پایین، خط‌های راهنما را به‌صورت افقی یا عمودی فعال کنید تا چیدمان منظم و درستی را از عناصر(المان‌ها) و اشیا داشته باشید ۳. مرحله‌ی بعدی اضافه کردن عناصر(المان‌ها) و اشکال به داخل کاربرگ است که با کشیدن(دِرک کردن) هر کدام از آن‌ها، از جعبه‌ابزار، به صفحه اضافه خواهد شد. روی هر عنصر در صفحه کلیک کنید، تنظیمات آن را در سمت راست می‌توانید ببینید (شکل ۱۰).



شکل ۹



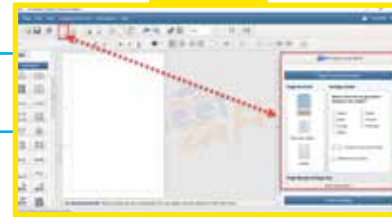
شکل ۱۰

نکته: با وارد کردن هر عنصر به صفحه و با توجه به تنظیمات پیش‌فرض، اعداد به رنگ‌های سبز و سیاه نشان داده می‌شوند. اعداد سبزرنگ پاسخ‌های صحیح هستند که بعد از تمام‌شدن کار در هنگام خروجی، به‌صورت پی‌دی‌اف، در کاربرگ مشاهده نمی‌شوند؛ ولی در پاسخنامه دیده خواهند شد.

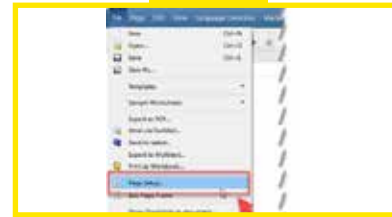
معرفی صفحه‌ی عناصر (المان‌ها) در جعبه‌ابزار

در این صفحه دسته‌بندی ابزارهای متعددی را در سمت چپ مشاهده می‌کنید؛ دسته‌بندی‌هایی از قبیل درج متن، جدول، تصویر، اشکال و تعریف فعالیت‌های متنوع که با کمک آن‌ها می‌توان طراحی کاربرگ را کامل‌تر کرد.

برای درج متن در قسمت‌های Header یا Footer، با دوبار کلیک کردن روی ستون‌ها، می‌توانید در کاربرگتان شروع به نوشتن کنید



شکل ۳



شکل ۴



شکل ۵



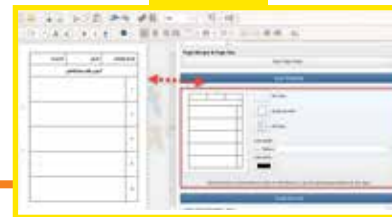
شکل ۶

برای تنظیم اندازه، جهت و حاشیه‌های صفحه و نحوه‌ی نمایش قرارگیری صفحات کنار هم، باید از مسیر File-Page Setup وارد شوید و تنظیمات مورد نظرتان را اعمال کنید



شکل ۷

با انجام این تنظیمات می‌توانید کاربرگی را به‌عنوان سربرگ آزمون طراحی کنید. سپس در قسمت پایین صفحه، سمت راست، از طریق گزینه‌ی line visibility نحوه‌ی نمایش، رنگ و ضخامت خط‌ها را در کاربرگ مشخص کنید.



شکل ۸



قاتل خاموش یادگیری

بررسی تأثیرات پنهان ارزشیابی سنتی

داشته باشد. این رویکرد سطحی، که از آن تحت‌عنوان «انباشته‌شدن» یاد می‌شود، بیشتر اوقات منجر به فراموش شدن اطلاعات در مدت کوتاهی پس از امتحان می‌شود.

پروفسور **اریک مازور**، فیزیكدان مشهور و مدافع اصلاحات آموزشی، این پدیده را به‌درستی «قاتل خاموش یادگیری» نامیده است. او معتقد است دانش‌آموزانی که فقط بر کسب نمره‌ی خوب تمرکز می‌کنند، کمتر احتمال دارد، به‌طور انتقادی، با مطالب درگیر شوند یا پیچیدگی‌های آن را کشف کنند. فشار برای عملکرد خوب، ارزش ذاتی خود فرایند یادگیری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

علاوه بر این، ارزشیابی‌های سنتی بیشتر اوقات نمی‌توانند طیف کاملی از قابلیت‌های دانش‌آموز را به تصویر بکشند. تکیه‌ی صرف بر آزمون‌های کتبی، مهارت‌های حیاتی مانند حل مسئله، خلاقیت و همکاری را که برای موفقیت در دنیای پویای امروزی ضروری هستند، نادیده می‌گیرد. اریک مازور از روش‌های ارزشیابی سنتی به‌دلیل تمرکز صرف بر حفظ‌کردن که پایین‌ترین سطح در

این راستا، جنبه‌ی مهمی که گاهی نادیده گرفته می‌شود، تأثیر پنهان و مضر روش‌های ارزشیابی سنتی بر فرایند یادگیری است.

ارزشیابی سنتی و فرایند یادگیری

ارزشیابی نقشی حیاتی در آموزش دارد و معیاری را برای فهمیدن میزان درک دانش‌آموزان از مطالب فراهم می‌کند، حوزه‌هایی را که نیاز به توجه بیشتری دارند، شناسایی و شیوه‌های آموزشی را نیز بررسی و واپایش می‌کند. با این حال، تأکید بیش از حد بر آزمون‌های پرمخاطره و تمرکز صرف بر حفظ‌کردن می‌تواند عواقب ناخواسته‌ای

سیدعلی عبداللهی حسینی
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، سفیر نوآفرینی
آموزش، مربی (کوچ) عملکرد
عذرآیگم هژیبری
دکترای برنامه‌ریزی آموزشی، مدرس دانشگاه و مدیر
مدرسه‌ی ابتدایی مهرگان بابل

سنگ بنای هر نظام آموزشی بر توانایی آن نظام در پرورش عشق به یادگیری در دانش‌آموزان استوار است. نظام آموزشی‌ای که چنین توانایی را داشته باشد، اشتیاق به کسب دانش و مهارت‌های تفکر انتقادی و توانایی سازگاری با دنیای همیشه در حال تغییر را در وجود دانش‌آموزانش تقویت می‌کند. در





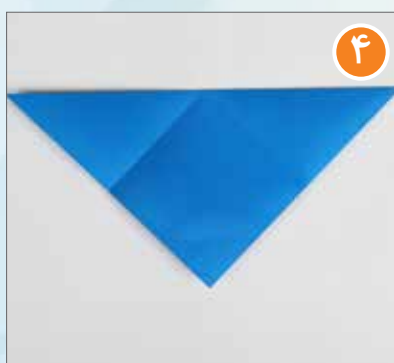
یک فوت تامکعب



پری حاجی خانی، کارشناس فیزیک



۳

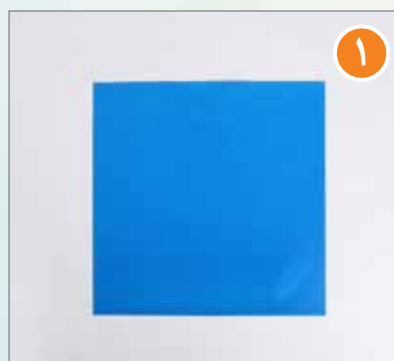


۴

یکی از مهم‌ترین مهارت‌ها برای کودکان دست‌ورزی است که نیازمند هماهنگی حرکات دست و چشم است. برای تقویت این مهارت می‌توان از هنر کاغذتایی (اریگامی) کمک گرفت؛ زیرا از این طریق، کودکان با ساده‌ترین امکانات می‌توانند فقط با استفاده از یک تکه کاغذ بدون خط‌کش، چسب و قیچی کاردستی مناسبی بسازند که باعث تقویت مهارت‌های دستی، تمرکز، خلاقیت و اعتمادبه‌نفس در آن‌ها می‌شود. برای درست کردن یک کاردستی، کودکان باید هم‌زمان از دو دست خود استفاده کنند و با تمرکز، مراحل را به ترتیب پیش ببرند. آن‌ها با ساخت طرح‌های گوناگون می‌توانند ایده‌های خود را بروز دهند و با دیدن پیشرفت خود و رسیدن به طرح نهایی اعتمادبه‌نفس بیشتری پیدا کنند. در این شماره قصد داریم، با یک تکه کاغذ مربع‌شکل، یک مکعب بسازیم. این دست‌ورزی ساده می‌تواند بستر مناسبی را برای آموزش مفاهیم و ویژگی‌های شکل‌های هندسی ایجاد کند. در حین ساخت و پایان کار، بچه‌ها می‌توانند، روی وجه‌های مکعب، شکل مربع و مثلث متساوی‌الساقین، مثلث قائم‌الزاویه، ضلع‌ها، زاویه‌ها، قطرها و خط‌های تقارن آن‌ها را ببینند و در نهایت، با یک فوت، به مکعب برسند.



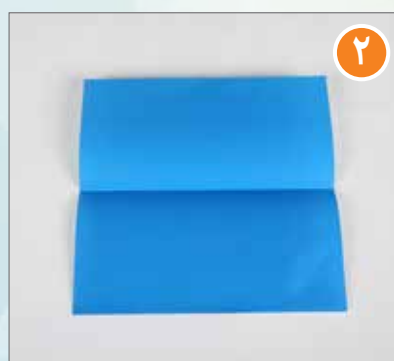
۵



۱

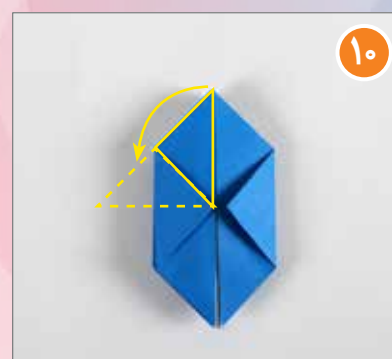
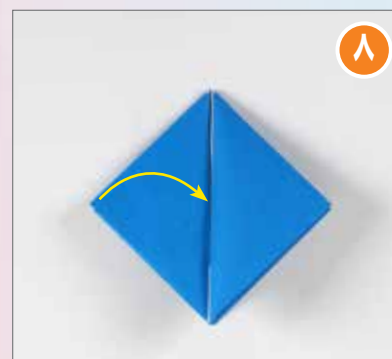


۶



۲







یک معلم و این همه پایه

آشنایی با نحوه‌ی تدریس در کلاس چندپایه

- کاهش تعداد پایه‌های یک مدرسه که منجر به حذف یک یا چندپایه یا کل پایه‌ها می‌شود.
- کاهش تعداد دانش‌آموزان یک منطقه، به دلیل استفاده از آن‌ها در امور کشاورزی، دامداری، قالی‌بافی و... یا کاهش جمعیت روستاها به سبب مهاجرت به شهرها.

فرصت‌ها و چالش‌ها

برخی از فرصت‌هایی که کلاس‌های چندپایه برای دانش‌آموزان و معلمان ایجاد می‌کنند، عبارت‌اند از:

- رشد مهارت‌های زبانی، فعالیت‌های مشارکتی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان؛
- ایجاد فرصت برای دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر، به منظور جبران عقب‌ماندگی‌های درسی با توجه به تدریس معلم؛
- ایجاد فرصت برای دانش‌آموزان علاقه‌مند و مستعد پایه‌های پایین‌تر، برای استفاده از مطالب درسی پایه‌های بالاتر و آمادگی بیشتر برای سال بعد؛

کلاس چندپایه تدریس یک معلم با حضور دانش‌آموزان دو یا چند پایه‌ی تحصیلی در یک کلاس است؛ دانش‌آموزانی که گاهی مختلط نیز هستند. کلاس‌های چندپایه برنامه‌ی درسی و کتاب خاص ندارند، لذا معلمان باید همزمان بیش از یک برنامه‌ی درسی را تدریس کنند. تشکیل کلاس‌های چندپایه دلایلی دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- فقدان، کمبود یا نامناسب بودن راه‌های ارتباطی بین روستاها و شهرها و دسترسی نداشتن به وسیله‌ی نقلیه‌ی مناسب برای حضور در مدرسه‌های تک‌پایه.

حامد شاکریان
کارشناس ارشد تاریخ، معلم و مدرس دانشگاه فرهنگیان
خراسان شمالی

کلاس‌های چندپایه در ایران نظام آموزشی مستقلی ندارند و برنامه‌ی درسی آن نیز همان برنامه‌ی درسی کلاس‌های تک‌پایه است. بیشتر معلمان تدریس در کلاس‌های چندپایه را از سخت‌ترین تدریس‌ها می‌دانند و به همین علت علاقه‌ای به تجربه کردن آن ندارند؛ اما معلمانی که در این نوع کلاس‌ها تدریس کرده‌اند، نگاهی متفاوت به آن دارند.





- کاهش وابستگی دانش‌آموزان به معلم.
- پرورش حس مسئولیت و همکاری در دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر، از طریق رفع مشکلات درسی دانش‌آموزان کوچک‌تر؛
- فعال‌تر شدن معلم و استفاده از قوه‌ی خلاقیت با ایده‌سازی‌های جدید، برای افزایش بهره‌وری در کلاس درس در کمترین زمان.
- اما صرف‌نظر از این فرصت‌ها، کلاس‌های چندپایه چالش‌ها و محدودیت‌هایی نیز به همراه دارند که می‌توان به این موارد اشاره کرد:

افزایش نقش معلم در کلاس؛ برخلاف کلاس‌های تک‌پایه که معلم فقط یک بار طرح درس، برنامه‌ریزی کلاسی، ارزشیابی، ابزارها و محتوای آموزشی را آماده می‌کند، در کلاس‌های چندپایه، معلم برای هر جلسه، باید همه‌ی این موارد را جداگانه برای دانش‌آموزان هر پایه آماده کند.

مختلط‌بودن کلاس‌ها؛ بیشتر کلاس‌های چندپایه مختلط هستند. این موضوع با توجه به

ویژگی‌ها و نیازهای متفاوت دختران و پسران و همچنین شرایط فرهنگی کشور ما، چالش‌هایی را برای معلم و دانش‌آموزان ایجاد می‌کند.

- نبود کتاب درسی و سایر ملزومات اختصاصی تدریس؛ کتاب‌های درسی، وسایل کمک آموزشی و اکثر کتاب‌های راهنمای معلم همگی برای معلمان و دانش‌آموزان تک‌پایه طراحی شده‌اند. معلمان کلاس‌های چندپایه نیز ملزم به استفاده از همین موارد هستند. بنابراین متناسب‌سازی محتوا با نیازهای دانش‌آموزان، بر عهده‌ی معلم است که این نیازمند تغییر رویکرد در این بخش است.

محدودیت زمان و کمبود وقت؛ معلم در کلاس‌های چندپایه موظف است در همان زمانی که برای کلاس‌های تک‌پایه تدوین شده است، مواد درسی کلاس‌های چندپایه را نیز تدریس کند.

بی‌توجهی به افزایش تجربه و تخصص معلمان؛ توجه ناکافی برای برگزاری دوره‌های ضمن خدمت خاص، برای معلمان چندپایه، به

ویژه معلمان تازه‌وارد که تجربه‌ای در این زمینه ندارند، یکی از چالش‌های اساسی در این زمینه است. حتی در دانشگاه فرهنگیان نیز دانشجویان با این نوع کلاس‌ها کمتر آشنا می‌شوند. رفع این کمبود، نیازمند توجه جدی به این موضوع است.

نکات مهم در مدیریت کلاس‌های چندپایه

کلاس‌های چندپایه از لحاظ سن دانش‌آموزان، جنسیت آن‌ها و تعداد پایه‌ها شرایط متفاوتی با کلاس‌های تک‌پایه دارند. این شرایط موجب شده‌اند وظیفه و نقش معلمان نیز در این کلاس‌ها بیشتر شود:

- معلم کلاس چندپایه نقش‌های متعددی در محیط آموزشی بر عهده دارد، از جمله‌ی این نقش‌ها می‌توان به مدیریت کلاس درس و ارتباط با والدین و جامعه‌ی محلی اشاره کرد. ایفای این نقش‌ها در کلاس چندپایه نیازمند برنامه‌ریزی‌های خاص، مبتنی بر شناخت معلم از دانش‌آموزان کلاس، شرایط مدرسه و بافت و اقتضات محلی است.



عکس: محمد صادقی

● معلم کلاس چندپایه لازم است، با توجه به تعداد پایه‌ها و فضای کلاس، چینش کلاس، محل استقرار هر پایه و محل قرار گرفتن خود را مشخص کند. محل استقرار هر پایه باید به‌گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان به راحتی به تخته‌ی کلاس و سایر وسایل و مواد آموزشی مربوط به خود دسترسی داشته باشند. در صورت امکان، لازم است هر پایه تخته‌ی مخصوص به خود را داشته باشد. فاصله‌ی بین هر پایه باید به اندازه‌ای باشد که معلم بتواند به راحتی بین آن‌ها حرکت کند و صدای دانش‌آموزان پایه‌های متعدد مزاحمتی برای یکدیگر ایجاد نکند. چیدمان‌های انفرادی و L شکل و L شکل چیدمان‌های مناسب این نوع کلاس‌ها هستند.

● تهیه‌ی جدول کار و فعالیت‌های سالانه، در شروع سال تحصیلی، از اقدامات ضروری برای سازماندهی محیط یادگیری به شمار می‌آید.

● معلم باید در ابتدای سال تحصیلی قوانین کلاسی را تعیین کند؛ مثلاً خاطر نشان سازد که وقتی معلم و دانش‌آموزی در حال صحبت کردن هستند، دیگران حتماً باید ساکت باشند یا اینکه با توجه به وضعیت کلاس، دانش‌آموزان تا حد امکان به آرامی، بدون فریادزدن و با فکر سخن بگویند و... لازم است معلم قواعد را با کمک دانش‌آموزان کامل کند.

● مدیریت زمان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در موفقیت کلاس‌های چندپایه است. بنابراین لازم است معلم با برنامه‌ریزی منعطف و با پیش‌بینی

اتفاقات غیرمنتظره از به تعویق افتادن وظایف خود جلوگیری کند.

● باید به دانش‌آموزان تکالیفی ارائه شود که مبتنی بر طرح یا حل مسئله یا کسب تجربه‌ی مستقیم دانش‌آموزان در موقعیت آموزشی باشد.

● معلم باید سعی کند با برگزاری نشست‌های توجیهی برای اولیا، از آن‌ها برای پیگیری روند آموزشی کمک بگیرد.

● ضروری است معلم از سه نوع فعالیت معلم‌دانش‌آموز، دانش‌آموز‌دانش‌آموز و خودیادگیری براساس نوع تدریس در کلاس استفاده کند.

● طراحی آموزشی از بخش‌های مهم برنامه‌ریزی برای کلاس‌های چندپایه است که باید مورد توجه قرار گیرد. معلم برای طراحی آموزشی مناسب باید به این سؤالات پاسخ دهد:

● چه پایه‌هایی را باید تدریس کنم؟

● چه موضوعاتی را در هر پایه باید تدریس کنم؟

● از چه روش تدریسی برای آموزش موضوع مورد نظر استفاده کنم؟

● زمان کلاس را برای هر پایه چگونه مدیریت کنم؟

● چگونه میزان یادگیری دانش‌آموزان هر پایه را ارزشیابی کنم؟

پس از پاسخ‌دادن به این پرسش‌ها، نقشه‌ی کلی برای آموزش به دانش‌آموزان هر پایه مشخص می‌شود. باید یادآور شد که معلم حتماً باید این فعالیت را قبل از شروع تدریس انجام دهد. البته طرح آموزشی باید کاملاً منعطف باشد و

به اتفاقات پیش‌بینی نشده‌ای که امکان دارد در فرایند یاددهی یادگیری رخ دهد، نیز توجه شود. منظور از طراحی آموزشی نقشه‌ی کلی آموزش است که برای هر پایه جداگانه مشخص می‌شود.

● به دلیل موقعیت خاص آموزشی کلاس‌های چندپایه، معلم در این نوع کلاس‌ها باید از انواع گوناگون روش‌های تدریس به‌ویژه از روش‌های تدریس فعال مانند روش حل مسئله، بارش فکری، پرسش و پاسخ، مطالعه‌ی مستقل و آموزش به هم‌کلاسی استفاده کند.

● توجه به سبک‌های یادگیری از دیگر مواردی است که باید به آن توجه شود. طرح درس معلم باید براساس نیازها، علایق، مهارت‌ها و استعدادها دانش‌آموزان در کلاس‌های چندپایه و با توجه به حیطه‌های آموزشی شناختی، عاطفی و روانی حرکتی آنان تنظیم شود.

● آگاهی معلم از قابلیت فناوری‌های متعدد برای استفاده در فرایند یاددهی یادگیری بسیار مهم است.

● بهتر است در کلاس‌های چندپایه، از وسایل کمک‌آموزشی‌ای استفاده شود که به راحتی و به‌طور رایگان در محیط محلی موجود است؛ مثلاً منابع طبیعی مانند گیاهان، مواد معدنی، مواد زائد خانگی و...

چند نکته در خصوص تدوین برنامه‌ی درسی کلاس‌های چندپایه

● برنامه‌ی کلاسی پایه‌ها باید به‌گونه‌ای تدوین شود که درس‌هایی مثل ریاضی، برای همه‌ی پایه‌ها، در یک ساعت نباشد و پراکنده شود.

● باید در تدوین برنامه‌ی درسی به ارتباط طولی و عرضی توجه شود.

● خوب است ساعت تربیت بدنی و نقاشی بین هفته پخش شود و این دو فعالیت در یک روز انجام نگیرد.

در پایان یادآور می‌شود معلم در یک کلاس چندپایه باید از موضوعات مهمی مثل ویژگی ذهنی و جسمی دانش‌آموزان، علایق آن‌ها، تفاوت ویژگی‌های جنسیتی و همچنین نیازها و تجربه‌های دانش‌آموزان مطلع باشد و ضمن آگاهی از شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دانش‌آموزان و والدینشان، اقتضات بومی و محلی خود را نیز بشناسد و راهکارهایی به کار گیرد که موجب برقراری ارتباط مؤثر خودش با دانش‌آموزان و دانش‌آموزان با یکدیگر شود.



مهار نرم پرخاشگری

ساجده میرزایی
کارشناس آموزش ابتدایی
علی قلعه‌نویی
کارشناس آموزش هنرهای تصویری

در هر شماره از دوره‌ی جدید رشد آموزش ابتدایی پذیرای مطالب تهیه شده توسط دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان هستیم. با گذاشتن در مسیر معلمی گوارای وجودشان باشد.

معلمان از مؤثرترین عوامل در تربیت و شکل‌گیری سازه‌ی شخصیت دانش‌آموز به حساب می‌آیند، به طوری که می‌توان گفت بیشتر رفتارهایشان بر روان و افکار دانش‌آموزان اثرگذار خواهد بود. از همین رو، لازم است در برخورد با دانش‌آموزان به شدت مراقب باشیم، رفتارهایشان را بشناسیم و بدانیم با هر کدام چگونه باید صحبت و رفتار کنیم.

در این شماره به بررسی «پرخاشگری» که یکی از اختلالات رفتاری شایع در بین دانش‌آموزان است، می‌پردازیم و بهترین نحوه‌ی رویارویی با این اختلال را بیان می‌کنیم.

پرخاشگری در کودکان شکل‌های گوناگونی دارد که هر کدام می‌توانند باز خورد عملی اشتباه یا حاصل رخدادی غلط، از سوی محیط اجتماع تأثیرگذار بر کودک یا نوجوان، باشند. به طور کلی اختلالات رفتاری، به ویژه پرخاشگری، ریشه در کودکی آن‌ها دارد. برای مواجهه و درمان این اختلال، نخست باید به بررسی اتفاقات و حوادثی بپردازیم که فرد در کودکی تجربه کرده است. کوچک‌ترین اشتباه رفتاری معلمان، به خصوص در دوره‌ی ابتدایی، می‌تواند آسیب‌هایی جبران‌نشده‌ی به دانش‌آموزان بزند که کمترین نتیجه‌ی آن طردشدن فرد از سوی اجتماع است.

پرخاشگری می‌تواند به این صورت‌ها نمود پیدا کند:

- عصبانیت‌های فیزیکی؛
- ضربه زدن؛
- لگزدن یا گاز گرفتن؛
- خراب کردن اموال و اشیاء؛
- قلدری؛
- حملات کلامی (خشونت در گفتار؛ مثلاً فشار دادن دندان‌ها روی هم در حین صحبت)؛
- تلاش برای تسلط بر دیگران از طریق تهدید یا خشونت.

راهکارهایی برای برخورد با پرخاشگری

۱. داشتن انتظارات‌های واقع‌بینانه در مورد توانایی‌های کودک: باید دانش‌آموز خود را از لحاظ توانایی بسنجیم و بدانیم از عهده‌ی چه کارهایی بر می‌آید و از سپردن کارهای خارج از توانایی او بپرهیزیم.

۲. تمرکز بر حفظ رابطه‌ی مثبت: رابطه‌ی ما با





فرزندان والدین شاغل، به خصوص زمانی که مادر شاغل باشد، بیشتر اوقات شخصیت مستقل تری دارند و وابستگی عاطفی افراطی به مادر در آن‌ها مورد انتظار نیست؛ اما با وجود این موارد، اینکه کودک از محیط اجتماعی کوچکی به نام خانواده و خانه وارد محیط اجتماعی بزرگ‌تری به نام مدرسه شود، برای همه‌ی دانش‌آموزان چالش برانگیز است. وجه تمایز دانش‌آموزان نحوه‌ی مواجهه‌ی با این چالش‌هاست. مبین هم از این قضیه مستثنی نبود و بی‌شک حضور مادر، به‌عنوان معلم، بر خورد او را با این چالش‌ها می‌توانست راحت‌تر کند.

تصمیم خانم سلیمانی به‌حدی برای همه تعجب‌آور بود که حتی کارکنان مدرسه هم سعی بر متقاعد کردن ایشان داشتند؛ اما خانم سلیمانی سخت مخالفت می‌کردند و می‌گفتند: «نمی‌خواهم حضور پسر در کلاس باعث شود که در ذهنم برای لحظه‌ای بین دانش‌آموزانم تفاوتی قائل شوم.»

بالاخره پس از یک هفته تلاش مبین، مادرش راضی شد پسر خودش هم در کلاسش باشد. مبین جان، باشه مشکلی نیست؛ اما به یک شرط، هر روز به محض اینکه در خانه رو می‌بندیم و راه می‌افتیم به‌طرف مدرسه، از همانجا من می‌شم خانم سلیمانی و تو هم دانش‌آموزم. من هیچ تبعیضی بین تو و بقیه‌ی هم‌کلاسی‌هایت قائل نمی‌شم.

سال تحصیلی شروع شد. خانم سلیمانی و پسرش هر روز صبح با هم به مدرسه می‌رفتند و با هم بر می‌گشتند برای همه سؤال شده بود که چرا مبین افتخاری با خانم معلم به مدرسه می‌آید. نکند پسر خانم سلیمانی است؟! حتی روزی یکی از هم‌کلاسی‌های مبین از او پرسید: «مبین، خانم سلیمانی مامانته که با هم می‌آید مدرسه؟!» مبین هم دستپاچه شده و به یاد تمام شرط و شروطهای مادرش افتاده و گفته بود: «خانم سلیمانی همسایه‌ی ماست. مادر و پدرم سر کار می‌زن. من رو سپردن به خانم سلیمانی که با هم بیایم.»

با شنیدن این سؤال، خانم سلیمانی از روز بعد مبین را زودتر راهی مدرسه می‌کرد و بعد از او خودش می‌آمد. این معلم باتجربه در طول سال تحصیلی هیچ‌گاه توجه بیشتری به پسرش نشان نداد و هیچ‌کس تصور نمی‌کرد افتخاری پسر خانم سلیمانی باشد تا اینکه اتفاقی افتاد. صدای زنگ مدرسه در سالن طنین انداز شد.

خودکارهای رنگی طرحی را نقاشی می‌کند و دوست دارد به دیگران نشان دهد، یعنی نیاز به توجه بیشتر دارد و می‌خواهد نظر شما را به خود جلب کند. در این مورد باید با استفاده از کلمات تعریفی (تعریف از باهوشی و زکاوت و زیبایی و...) به دانش‌آموز محبت کرد و کم‌کم به او آموزش‌های مناسب داد تا به جای کشیدن طرح روی دست و صورت، فعالیت‌های آموزشی انجام دهد و از این طریق مورد توجه قرار گیرد.

در مواردی دیده شده است که دانش‌آموز بسیار ساکت و منزوی است. در این موارد، معلم باید علت کم‌حرف بودن دانش‌آموز را بفهمد؛ زیرا این سکوت می‌تواند حاصل از درگیری ذهنی، حس انتقام‌جویی، افسردگی، خجالت، ناامیدی و... باشد. برای هر کدام از این مشکلات راهکارهایی وجود دارد. در این زمینه، بر خلاف تصور برخی، لزوماً آوردن آن دانش‌آموز ساکت پای تخته روش مناسبی نیست و گاهی نتیجه‌ای معکوس در پی خواهد داشت.

معلم امروز ما، به‌دلیل گسترش مشکلات و بیماری‌های روانی و رفتاری رایج در جامعه، باید معلمی هوشمند و مسلط بر روش‌های نوین روان‌شناسی باشد همچنین معلم می‌بایست علاوه بر اصول مشاوره و روان‌شناسی، آشنایی حداقلی با زبان بدن و اختلالات رفتاری و راهکارهای آن داشته باشد. در این سلسله مطالب سعی می‌کنیم، به‌طور کاربردی، به اختلالات رفتاری دانش‌آموزان و نحوه‌ی برخورد معلم با آن اختلالات بپردازیم.

روایت

خانم سلیمانی همسایه‌ی ماست!

مهسا که از تعجب جای در گلویش پریده بود، لابه‌لای سرفه‌هایش، گفت: «آخه مادر من، شما بیست و خورده‌ای ساله که معلم ابتدایی، آن هم پایه‌ی اول مدرسه‌های پسرانه، هستی. الان که مبین پسر خودت می‌خواد پره کلاس اول، می‌گید پره سر کلاس به معلم دیگه؟! آگه شما خودت معلمش باشی، خیالمون راحت‌تره. ضمن اینکه مبین از همین کلاس اول با پایه‌ی قوی پیش می‌ره.»

خانم سلیمانی معلمی با بیست و پنج سال سابقه‌ی کار است که بیشترین تجربه‌اش هم در پایه‌ی اول ابتدایی بوده است. امسال پسر خانم سلیمانی در مدرسه‌ای که خود ایشان آموزگار پایه‌ی اول است، به مدرسه می‌رفت.

دانش‌آموزان باید رابطه‌ای با انرژی مثبت باشد.

۳. جلوگیری از تأثیر عصبانیت بر رفتار

ما: رفتارهای خشونت‌آمیز دانش‌آموزان نباید باعث شوند که ما نیز مدیریت هیجان خود را از دست بدهیم.

۴. ایجاد نظم و قانون مشخص: ایجاد قانون برای

همه و رعایت آن در محیط می‌تواند از رفتارهای خارج از چارچوب دانش‌آموزان جلوگیری کند.

۵. آموزش محبت‌کردن: باید در هنگام تدریس،

با انجام رفتارهای محبت‌آمیز، فضای کلی کلاس را از حالت هیجانی و پرسر و صدا به فضایی آرام و سرشار از انرژی مثبت تبدیل کنیم.

۶. تشویق و پاداش: بی‌شک پاداش دادن به

رفتارهای مناسب دانش‌آموز می‌تواند در مدیریت پرخاشگری وی مؤثر باشد؛ اما کافی نیست. ذکر این نکته نیز ضروری است که رفتار ما در تشویق نباید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموز را شرطی کند.

۷. دقت در انتخاب جای دانش‌آموزان در

کلاس و انتخاب بغل‌دستی‌ها: مهم است که دانش‌آموزان با چه سطح از انرژی و نوع رفتاری در کنار هم قرار می‌گیرند.

۸. توصیه به خانواده‌ها برای ایجاد زمینه‌ی

خواب کافی فرزندان.

نحوه‌ی برخورد با پرخاشگری

ما به‌عنوان معلمی که روزانه با حداقل سی دانش‌آموز سروکار داریم، باید تا جایی که می‌توانیم، با تمرکز بالا، رفتارهای آن‌ها را حداقل در زمان صحبت با خود یا حضور در کلاس بررسی کنیم؛ مثلاً دانش‌آموزی که در حین صحبت مدام پای خود را تکان می‌دهد یا دو دست خود را می‌گیرد و فشار یا مالش می‌دهد یا گاهی لب و ناخن خود را می‌جود، مشخص است که اضطراب یا هیجانی خارج از حالت عادی خود دارد. این هیجان می‌تواند یا به‌سبب رفتار معلم باشد یا دلیل دیگری داشته باشد. در این موارد معلم باید با شمرده‌شمرده صحبت کردن و آرام حرف زدن توجه دانش‌آموز را به خود جلب کند و از هیجان اضطرابی او بکاهد؛ مثلاً دانش‌آموزی که مدام روی صورت یا دست‌ها خود با مازیک یا



دانش آموزان با همه‌ها از کلاس‌ها بیرون می‌آمدند و به حیاط می‌رفتند. هر جای حیاط را که نگاه می‌کردی، همه گروه‌به‌گروه شده بودند؛ عده‌ای حرف می‌زدند، گروهی فوتبال بازی می‌کردند، بعضی‌ها درس می‌خواندند، آب‌خوری هم که مثل همیشه پر از دانش‌آموزان فقمقه به دست بود. هر لحظه جایی از حیاط دو نفر به جان هم می‌افتادند و صدای همه بالا می‌رفت و من باید جدایشان می‌کردم. نتیجه‌ی این جدایی‌ها گاهی تلخ بود و به دفتر رفتن و دعوت از اولیا ختم می‌شد. طبق معمول هر زنگ تفریح هر از چند گاهی دو تا دانش‌آموز کنارم راه می‌رفتند و از من می‌خواستند آن‌ها را مأمور انتظامات کنم.

- خانم، خانم، احمدی سرش خورد به میله‌ی پرچم. سرش شکسته.

به‌سرعت به سمتشان می‌روم. احمدی روی زمین افتاده بود و گریه می‌کرد. مأمورهای انتظامات بچه‌ها را به کلاس هدایت کردند و من احمدی را به دفتر بردم. سمت چپ سرش کمی

خونریزی داشت. سرش را باندپیچی کردم و از او خواستم با جزئیات بگوید که دقیق چه اتفاقی افتاد.

- خانم، داشتیم با افتخاری بازی می‌کردیم. داشت دنبالمون می‌کرد. من هم داشتم فرار می‌کردم. خواستم برگردم نگاهی کنم، سرم خورد به میله و افتادم زمین.

گریه‌اش کمتر شده بود. سعی کردیم با صحبت کمی آرامش کنیم و با اولیایش تماس گرفتیم. افتخاری هم تمام مدت جلوی در دفتر ایستاده بود و نگاه می‌کرد. دلم نمی‌آمد سرزنشش کنم؛ اما چون مادرش هم به ما سفارش کرده بود که اگر مشکلی پیش آمد، فرقی بین مبین و دیگران نگذارید، از او خواستم وارد دفتر شوم. مجبور بودم همان رفتاری را که با احمدی داشتم، با او نیز داشته باشم.

- افتخاری، من چند بار به هم‌تون تذکر دادم که داخل حیاط ندوین. الان بیین چه کار کردی. زنگ بزنی به مادرت که بیاد مدرسه. باید باهاش صحبت کنم.

- خانم، من مادرم سر کاره. نمی‌تونه جواب بده. اشکال نداره. بیا اینجا شماره‌ی مادرت رو بنویس تا باهاش تماس بگیریم. باید با مادرت صحبت کنم. - خانم آخه! آخه!... حفظ نیستم.

با خودم گفتم چرا یک کلمه نمی‌گوید مادر من خانم سلیمانی است تا شاید بتواند قسر در برود. مبین با وجود رنگ پریده‌اش چیزی نگفت. فقط مدام مقاومت می‌کرد که مادرش به دفتر بیاید.

- برو دفتر، خانم محبی شماره‌ی مادرت رو از پرورده‌ت بردارن و برات بنویسن. بیار بده به من. خودم هم دنبالش رفتم. کنجکاو شده بودم که تا کجا می‌خواهد مقاومت کند. شماره‌ی مادرش را گرفت و به من داد. اول با مادر احمدی تماس گرفتم و به افتخاری گفتم دم در دفتر باشد.

در همین حین، خانم سلیمانی که داشت به کلاس می‌رفت، مبین را جلوی دفتر ایستاده می‌بیند و از ظاهرش می‌فهمد که فشار روانی (استرس) دارد. به سمتش می‌رود.

- افتخاری، چی شده؟ - هیچی خانم، داشتیم با یکی از دوستانمون دنبال بازی می‌کردیم، خورد زمین. می‌خوان با مادرم تماس بگیرن.

- پسر، چند بار خودم سر کلاس بهتون گفتم که تو مدرسه ندوید؛ چون زمین می‌خورید؟ - خانم، نمی‌شه شما صحبت کنید؟ - نه، من باید برم سر کلاس. هر دو تون زود بیاید که از درس جا نمونید.

یک ربع بعد هر دو وارد کلاس شدند. - پسر، سرت بهتر شد؟ افتخاری رو بخشیدی؟ - آگه مادرم ببخشه، منم می‌بخشم.

خانم سلیمانی از آن‌ها خواست که همدیگر را در آغوش بگیرند. افتخاری هم عذرخواهی کرد. خانم سلیمانی، بعد از این آشتی‌کنان، عکس در آغوش گرفتن دو کودک را برای مادر احمدی فرستاد. مادر احمدی هم گفت: «مشکلی نیست. پیش می‌آد دیگه. به هر حال دوست هستن.»

آن سال هم برای مبین و هم برای خانم سلیمانی سال عجیب و سختی بود. سالی که در آن افتخاری حتی در جشن الفبا آخرین نفر با مادرش عکس گرفت. آن سال برخلاف سال‌های تحصیلی بعد، کمک به تکلیف‌های مبین، در خانه، به عهده‌ی خواهر بزرگ‌ترش گذاشته شده بود و آخر سال بود که همه متوجه دلیل مخالفت‌های خانم سلیمانی با حضور فرزند خودش در کلاس شدند.



عکاس: اعظم لاریجانی

منابع: ۱. جاری، محسن و دیگران، ۱۳۹۵، «شیوع اختلالات رفتاری در کودکان ایران»، مجله تحقیقات نظام سلامت، دوره ۱۲، صفحات ۵۰-۵۴. ۲. حبیبی، مجتبی و دیگران، ۱۳۹۰، «بررسی میزان شیوع اختلالات رفتاری در دانش‌آموزان مقطع راهنمایی و متوسطای استان قم»، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، شماره ۱۱، شماره ۱، صفحات ۶۳-۶۶. ۳. حیدری، جبار و محمودی، فرهاد، ۱۳۹۰، «تعداد راه‌های برخورد با پریشانی کودکان»، شماره ۸ تا ۸، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، دوره ۱۱، شماره ۱، صفحات ۶۲-۶۵. 4. www.icee.org/Behavioral-Disorder-Test-to-Identify-Attention-Deficit/Hyperactivity-Disorder-in-Children-Using-Case-Based-Reasoning-and-Certainty-Factor-Method



سیده زینب نورگسی خرم آباد
کارشناس آموزش ابتدایی، آموزگار پایه چهارم
پردیس، روستای باغکمش

رادیو بچه‌ها

به نام آنکه هستی نام از او یافت
فلک جنبش، زمین آرام از او یافت
سال‌هاست در حرفه‌ی مقدس معلمی
مشغول به خدمت هستم. از سال ۱۳۸۵،
یعنی درست چند ماه پس از ازدوایم، آن
وقت‌ها که پر از نشاط جوانی بودم، به‌علت
شرایط کاری همسرم به جنوبی‌ترین
نقطه‌ی ایران در سیستان و بلوچستان کوچ
کردیم و در بندر کوچک‌کی به نام کنارک
کارم را شروع کردم و مشغول به تدریس
شدم. چابهار گرم درس‌های زیادی به من
آموخت.

آنجا احساس می‌کردم معلمی شغلی است
که با آن بیشتر می‌توان به مردم جامعه
خدمت کرد. به همین علت همیشه در
فکر یافتن راه‌های جدیدی بودم تا بتوانم
هر روز دانش‌آموزانم را با سفیدی‌ها و
نورهای روی تخته‌سیاه آشنا کنم. کلاس را
یک شهر می‌دانستم و برای بهتر شدن این
شهر و سرزمین تلاش می‌کردم. بعد از چند
سال به تهران منتقل شدیم. در مدرسه‌های
تهران هم به آموزگاری مشغول بودم و
روزبه‌روز به تجربه‌هایم اضافه می‌شد. در
این نوشتار، قصد دارم یکی از این تجربه‌ها
را با شما به اشتراک بگذارم.

طی این ارتباط نزدیک با دانش‌آموزان،
متوجه شدم وقتی من متن کتاب فارسی
یا درس‌های دیگر را برای بچه‌ها می‌خوانم،
واکنش خوبی از طرف آن‌ها دریافت می‌کنم.
بچه‌ها معمولاً به من می‌گفتند: «خانم،
چقدر زیبا می‌خوانید، آدم دلش می‌خواد
همیشه صدای شما رو گوش کنه، کاش ما
هم مثل شما می‌تونستیم زیبا بخونیم و...»



این صحبت‌ها جرقه‌ای را در ذهن من روشن کرد. و با توجه به ضعف بچه‌ها در خوانی و روان‌خوانی متن فارسی و متون دیگر تصمیم جدیدی گرفتم.

روزی به کلاس رفتم، در حالی که رادیوی قدیمی پدرم را به کلاس برده بودم. بچه‌ها پرسیدند: «خانم، رادیو برای چیه؟» گفتم: «بچه‌ها، قرار است یه نمایش، از کلاس ما، در رادیو پخش بشه، اما باید حسابی تمرین کنیم که مبادا کلمه‌ای اشتباه تلفظ بشه.» بچه‌ها با شوق فراوان به دهانم چشم دوخته بودند. کتاب داستانی را از کتابخانه‌ی کوچک کلاس انتخاب و از آن، هفت نقش، برای هفت نفر از بچه‌ها، تعریف کردم. در ابتدا، بچه‌ها خیلی ایراد و اشکال داشتند؛ اما بعد به خوبی هر کدام مطلب مربوط به خود را روان و دقیق و حتی با تغییر صدا می‌خواندند.

با همکاری مدیر و معاونان محترم، در یکی از زنگ‌های تفریح همان رادیوی قدیمی را روی میز قرار دادیم و به دانش‌آموزان گفتیم که قرار است اجرای بچه‌های کلاس چهارم خانم نرگسی امروز از رادیو پخش شود.

من به‌عنوان راوی داستان کنار دانش‌آموزانم بودم، در حالی که موزیک ملایمی هم پخش می‌شد. در این میان، سعی می‌کردیم بین نقش‌ها و اجرای بچه‌ها رنگ و لعاب

ویژه‌ای هم ایجاد کنیم که کار جذاب‌تر باشد. بچه‌های مدرسه را از پشت پنجره می‌دیدم که با ذوق به رادیو نگاه می‌کردند. دیگر شاهد دعوا و زمین‌خوردن‌ها و زخمی‌شدن‌ها در زنگ تفریح نبودیم. در آخر هم از بچه‌های کلاس‌های دیگر خواستم اگر دوست دارند، نقاشی این داستان را بکشند و به دفتر مدرسه تحویل بدهند. همچنین آن‌ها را به مطالعه‌ی کتاب‌های غیردرسی تشویق کردم و از آن‌ها دعوت کردم، برای شرکت در اجرای برنامه‌های بعدی رادیو، داوطلب شوند.

شاید این سؤال در ذهن شما پیش آمده باشد که چطور از رادیوی قدیمی برنامه‌ی زنده پخش می‌شد؟! در واقع رادیو به‌صورت نمادین پیش چشم بچه‌های مدرسه قرار داده شده بود و گروه اجرای نمایش در کلاس به ایفای نقش خود مشغول بودند.

این طرح که از نظرتان گذشت، حاصل تجربه‌ی مستقیم من از سال‌ها ارتباط نزدیک با دانش‌آموزان گوناگون است. در ادامه، به برخی مشکلات در یادگیری درس فارسی (روخوانی، روان‌خوانی، درک مطلب و...) اشاره می‌کنم. به نظر می‌رسد این مشکلات برای سایر درس‌ها نیز وجود دارند و باید معلمان عزیز در پی حل آن‌ها برآیند. برخی از این مشکلات عبارت‌اند از:

۱. ضعف در بیان واژه‌ها و کلمات هنگام

روان‌خوانی؛

۲. خجالتی بودن دانش‌آموزان در کلاس؛
۳. نداشتن درک کامل و درست از مطالب درس‌ها؛
۴. ضعف املا‌ی فارسی دانش‌آموزان در کلاس؛
۵. ضعف بچه‌ها در نگارش فارسی و نوشتن انشا؛

۶. نداشتن مهارت خوب گوش کردن؛

۷. حواس‌پرتی و نداشتن تمرکز.

خدا را شاکرم بعد از اجرای چند برنامه «صدای رادیو مدرسه»، دانش‌آموزان کلاس چهارم من به مهارت‌های خوبی دست یافتند و مدیر محترم مدرسه تصمیم گرفتند این طرح هر هفته، در یکی از زنگ‌های تفریح، اجرا شود. مهارت‌هایی که دانش‌آموزان توانستند بعد از اجرای برنامه‌های «صدای رادیو مدرسه» به دست بیاورند، به این شرح است:

۱. مهارت خوب گوش کردن؛
۲. مهارت داستان‌پردازی و تجسم ماجرا برای رسم نقاشی آن موضوع؛
۳. تقویت املا‌ی دانش‌آموزان؛
۴. برقراری ارتباط اجتماعی دانش‌آموزان خجالتی با دیگران؛
۵. مهارت روان‌خوانی درست و روان‌خوانی صحیح؛
۶. تقویت دانش‌آموزان در نوشتن انشا و پدیدآوردن متن جدید و بامعنا؛
۷. ایجاد نشاط و انگیزه فراوان در دانش‌آموزان؛
۸. ایجاد روحیه همکاری و سازگاری با دیگر دانش‌آموزان برای کارهای گروهی؛
۹. کمک به فهم بهتر دانش‌آموزان در درک مطلب؛
۱۰. استفاده از داستان‌های گوناگون با توجه به مشکلات دانش‌آموزان؛
۱۱. آموزش مهارت‌های زندگی به شیوه‌ی غیرمستقیم.





کلیدواژه‌ها: مهارت‌های حرکتی ظریف، تقویت عضلات دست، نارسانویسی

توانایی‌های حرکتی ظریف پایه و اساسی برای مهارت‌های مهمی هستند که کودک در سفر کودکی خود به آن‌ها دست می‌یابد و کم‌کم آن‌ها را رشد می‌دهد. این مهارت‌ها تعامل با محیط اطراف و در نتیجه یادگیری را برای نوزادان و کودکان تسهیل می‌کنند. به عبارت دیگر، در طی فرایند رشد، مهارت‌های حرکتی ظریف برای کودکان پیش‌نیاز ضروری در ایجاد مهارت‌های اولیه به حساب می‌آیند.

این مهارت‌های اولیه می‌توانند فعالیت‌هایی باشند که نیازهای ابتدایی کودک را برآورده می‌سازند؛ مثل لباس پوشیدن یا فعالیت‌هایی که به یادگیری کودک کمک می‌کنند. هنگامی که کودکان وارد جریان آموزش و مدرسه می‌شوند، این مهارت‌ها یادگیری آن‌ها را ارتقا می‌دهند. از طریق آن‌ها، فهم و یادگیری درس‌هایی مثل ریاضی و ادبیات برای کودکان راحت‌تر

تمرین ظرافت

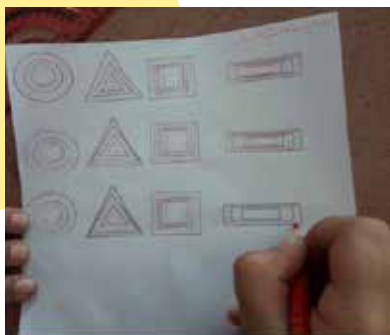
تأثیر تقویت مهارت‌های حرکتی بر بهبود نارسانویسی

می‌شود. هدف از انجام این تحقیق تأثیر تقویت مهارت‌های حرکتی ظریف بر کاهش نارسانویسی و تقویت عضلات دست است. نویسنده برای حل این مسئله و به‌منظور تقویت مهارت‌های حرکتی ظریف، راه‌حلی را مثل نرمش دست و حرکت‌های کششی پیشنهاد کرده است و ضمن کاربرست آن‌ها، به این نتیجه رسیده است که استفاده از این روش‌ها بر تقویت عضلات ضعیف دست بچه‌ها و کاهش نارسانویسی آنان بسیار مؤثر بوده است.

سودابه کمال‌آبادی، کارشناس ارشد مدیریت آموزشی
آموزگار منطقه‌ی پنج آموزش و پرورش
شهر تهران



مسئله‌ی مورد بحث در این نوشتار ضعف عضلات دست و نقص مهارت‌های حرکتی ظریف در دانش‌آموزان است. این ضعف در انجام فعالیت‌های نوشتاری، خستگی و درد مچ دست، نحوه‌ی نادرست به‌دست گرفتن مداد، نارسانویسی، بدخط‌نویسی و رضایت‌بخش نبودن آزمون نوشتاری مشاهده





خواهد بود. این مهارت‌ها همچنین کودکان را برای مشارکت در فعالیت‌های پیچیده‌تر کمک خواهند کرد؛ فعالیت‌هایی مثل انجام کارهای هنری یا ساخت کاردستی، بازی‌های فکری، استفاده از مکعب و ساخت‌وساز با آن‌ها، نواختن آلات موسیقی و فعالیت‌های ورزشی.

کودکانی که در مهارت‌های حرکتی ظریف مشکل دارند ممکن است با ناامیدی، نداشتن اعتمادبه‌نفس، خستگی و ترس از شکست روبه‌رو شوند. آن‌ها گاهی حتی قادر به اجرای تکلیف‌های روزمره‌ی خود هم نیستند و همانند سایر همسالان خود نمی‌توانند کارهایی مثل ترسیم یا قیچی کردن را انجام دهند (بهادری، ۱۳۹۶: ص ۶).

یکی از نخستین فعالیت‌هایی که نقش مهمی را در یادگیری کودک ایفا می‌کند، نوشتن است. نوشتن فرایند پیچیده‌ای است که علاوه بر هماهنگی چشم و دست، نیاز به مهارت‌های زیاد دیگری نیز دارد و حاصل تقابل فرایندهای حرکتی، حسی، ادراکی و شناختی است. فعالیت‌های چندحسی، بینایی، درکی و حرکتی برای رشد مهارت‌های نوشتاری مناسب‌اند. کودکی که مهارت‌های حرکتی ظریف خوبی ندارد، نمی‌تواند مداد را به‌طریق صحیح در دست بگیرد، بسیار درشت می‌نویسد، بدخط می‌نویسد، هنگام نوشتن‌های طولانی و فعالیت‌های ورزشی دست کودک درد می‌گیرد و احساس خستگی می‌کند، سرعت نوشتن او کم است و برای هرگونه نوشتن نیاز به تلاش زیادی دارد (انصاری‌نیا، ۱۳۹۶: ص ۷).

از این‌رو، تقویت مهارت‌های حرکتی مربوط به دست از اهمیت زیادی برخوردار است و پرداختن به این موضوع برای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شایان توجه است.

راه‌های حل مشکل

مهارت‌های حرکتی ظریف دست فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که کودک با دست‌ها و انگشتان آن‌ها را انجام می‌دهد؛ مانند برداشتن اشیای ریز، استفاده از قیچی، نوشتن، نقاشی کردن، رد کردن، گره‌زدن. این مهارت‌ها طی روندی مستمر،



از کودکی تا بزرگسالی، رشد می‌یابند. به‌طورکلی تمام مهارت‌های حرکتی با تمرین رشد می‌کنند. بنابراین هرگاه توالی خاصی را انجام دهیم، مسیر طبیعی (مسیر ارتباطی که بین مغز و عضلات وجود دارد) بارها و بارها تقویت می‌شود و می‌توانیم حرکت را بهتر انجام دهیم. همچنین هرچه بیشتر از عضلاتمان استفاده کنیم، آن عضلات قوی‌تر می‌شوند.

دست قائم مقام مغز است. میزان ارتباطی که انگشتانمان با مغز دارند، بیشتر از تمام بدن است. پس باید سعی کنیم، به هر طریقی، از بدو تولد دست بچه‌ها را قوی و فعال کنیم.

بدین منظور، بعد از تجزیه‌وتحلیل و مشورت با اهالی فن و مطالعه‌ی علمی و تحقیقی، راهکارهایی را در نظر گرفتیم که عبارت‌اند از:

- * ایجاد فضای مناسب برای انجام فعالیت‌های مربوط به مهارت‌های حرکتی ظریف؛
- * تغییر چیدمان کلاس، در راستای انجام فعالیت‌های مذکور؛
- * تهیه‌ی ابزار و وسایل موردنیاز این فعالیت‌ها؛
- * استفاده از فضای خارج از کلاس درس، برای انجام فعالیت‌های مهارتی حرکتی ظریف؛
- * پیگیری روند کار دانش‌آموزان از اولیا در مدرسه و منزل؛
- * آموزش برخی از فعالیت‌ها و مهارت‌ها به اولیا و آگاه کردن آن‌ها از اهمیت این موضوع؛
- * نظارت بر روند کار دانش‌آموزان و رفع اشکالات.

اجرای راه‌حل‌ها و طرح‌ها و نظارت بر اجرای آن‌ها

پس از بررسی عوامل به‌وجودآورنده در وضع موجود، اقداماتی برای تقویت مهارت‌های حرکتی ظریف و تقویت عضلات دست و انگشت دانش‌آموزان اجرا شد که گزارش آن بدین شرح است:

در ابتدا، تصمیم گرفتیم نکات و رهنمودهای لازم را در اولین جلسه به اولیا آموزش دهیم تا آن‌ها با دانش‌آموزان در منزل کار کنند

بزرگ، متوسط و کوچک و با مداد مشکی، اشکالی هندسی بکشند. سپس با کمک دست و با مداد قرمز و بدون استفاده از شابلون مابین خطوط اشکال هندسی را بکشند، به گونه‌ای که خط‌های کشیده شده از شکل هندسی که با شابلون ترسیم شده است، خارج نشوند.

فعالیت‌های کششی برای مچ‌ها و دست‌ها

جلسه‌ی سوم: در این جلسه، از دانش‌آموزان خواسته می‌شود، سی دقیقه، با دو دست روزنامه‌ی باطله‌ای را مچاله کنند و هر زمان عضلات دستشان خسته شد، مدت کوتاهی استراحت کنند.

جلسه‌ی چهارم: در این قسمت، از دانش‌آموزان خواسته می‌شود، سی دقیقه، فقط با دست راست روزنامه‌ی باطله‌ای را مچاله کنند و دست چپ بدون حرکت و استفاده باشد و هر زمان دستشان خسته شد، مدت کوتاهی استراحت کنند.

جلسه‌ی پنجم: در این جلسه هم دانش‌آموزان باید با دست چپ روزنامه‌ی باطله‌ای را مچاله کنند و دست راست بدون حرکت و استفاده باشد. هر زمان احساس خستگی کردند، مدت کوتاهی استراحت کنند. مدت‌زمان انجام این تمرین سی دقیقه است.

جلسه‌ی ششم: برای انجام این تمرین دانش‌آموزان به حیاط مدرسه می‌روند. از آن‌ها خواسته می‌شود ظرفی را پر از آب و ابر متوسطی را آغشته به آب کنند. سپس داخل همان ظرف، به‌منظور صرفه‌جویی در آب، با کمک دو دست آب ابر را بگیرند، به‌گونه‌ای که هیچ آبی در ابر باقی نماند. زمان انجام این کار نیز سی دقیقه است.

جلسه‌ی هفتم: دانش‌آموزان برای انجام این تمرین به حیاط مدرسه می‌روند و مانند تمرین قبل، از آن‌ها خواسته می‌شود همان تمرین را فقط با دست راست انجام دهند. زمان انجام این کار نیز سی دقیقه است.

جلسه‌ی هشتم: در این جلسه نیز



و وقفه‌ای در انجام فعالیت‌ها به وجود نیاید. برخی از این نکات عبارت بودند از:

۱. خمیربازی و ورز دادن آن با انگشتان دست.
۲. نوشتن از روی الگوی کلمات (نقطه‌چین) با معین کردن زمان مشخص و کم کردن زمان در هر تمرین.
۳. جست‌وجوی اشیای ریز مثل تیله، نخود و... در داخل کیسه‌ای پر از ماسه یا نمک، با انگشتان دستی که کودک با آن می‌نویسد.
۴. جمع کردن چوب‌کبریت‌های پخش شده، از روی زمین، توسط کودک با دستی که قلم را در آن می‌گیرد.
۵. بازوبسته کردن در بطری یا پیچ و مهره یا شمارش اسکناس و...

دلایل انتخاب راه‌حل‌های مذکور

۱. رفع اشکال در مهارت‌های حرکتی ظریف که در نارسا نویسی و ضعف عضلات دست دانش‌آموزان تأثیر داشت.
۲. رفع اشکال در کند نویسی یا سرعت عمل پایین آن‌ها در فعالیت‌های کلاس.
۳. رفع خستگی و درد در مچ دست و تقویت عضلات که در آینده بسیار می‌تواند در انجام فعالیت‌های ورزشی، خطاطی و... مفید واقع شود.

مراحل اجرای طرح و فعالیت‌ها

جلسه‌ی اول: ثبات و نرمش

وضعیت نشستن فرد، در ایجاد ثبات لازم، برای حفظ قسمتی از بدن به هنگام حرکت قسمت دیگر بدن ضروری است. بدین‌منظور در وهله‌ی اول باید روی چگونگی نشستن بچه‌ها تمرکز کرد و به اصلاح این امر پرداخت. در جلسه‌ی نخست، بعد از اصلاح نحوه‌ی نشستن، دانش‌آموزان سی دقیقه به نرمش و ورزش دست می‌پردازند. برخی از این ورزش‌ها عبارت‌اند از: مشت کردن و سپس باز کردن پنجه، رساندن تک‌تک انگشتان به انگشت شست و استراحتی کوتاه برای رفع خستگی و شل کردن عضلات دست.

جلسه‌ی دوم: دقت و توجه و هماهنگی چشم و دست

در این جلسه، از دانش‌آموزان خواسته می‌شود در برگه‌ای سفید با شابلون‌های

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با استفاده از تمرینات مذکور بسیاری از مشکلات و موانع و علل ضعف مهارت‌های حرکتی ظریف بر نارسانویسی دانش‌آموزان شناسایی شد. در این مسیر، نخست از طریق مشاهده و ارزیابی اولیه‌ی دانش‌آموزان و همکاری اولیای گرامی و همکاران مدرسه اطلاعاتی به دست آمد و با استفاده از آن اطلاعات پژوهشی صورت گرفت. سپس تعدادی از راهکارها با توجه به شرایط و امکانات مدرسه، کلاس و دانش‌آموزان به اجرا درآمد. پس از اجرای راهکارها، در پایان، آزمون نوشتاری برگزار و با آزمون اولیه‌ی نوشتاری مقایسه شد. نتیجه‌ی به‌دست‌آمده نشان می‌داد که راهکارهای ذکرشده می‌توانند ضعف مهارت‌های حرکتی ظریف بر نارسانویسی را برطرف سازند و همچنین عضلات دست و انگشتان را در حد بالایی تقویت کنند و انگیزه و علاقه را در دانش‌آموزان به وجود آورند. از مقایسه‌ی وضعیت دانش‌آموزان نسبت به ابتدای سال تحصیلی و بازخوردهای مثبت اولیای گرامی و همکاران محترم و همچنین نتیجه‌های به‌دست‌آمده از بازدید کلاسی این نتیجه حاصل شد که کارهای انجام‌شده مؤثر بوده و موجب تغییر و علاقه‌مندی در دانش‌آموزان شده است. نتیجه‌ی پژوهش همچنین نشان می‌داد که مشکلات نادرست گرفتن مداد، فشار بیش‌ازحد مداد بر کاغذ، کج‌نویسی و ضعف و درد و خستگی مچ دست دانش‌آموزان با کوچک‌ترین فعالیت کلاسی و نوشتاری تا حد بسیار زیادی کاهش یافته است.



دانش‌آموزان همان تمرین سطل و ابر را در سی دقیقه فقط با دست چپ انجام دادند.

فعالیت‌های تقویت مهارت‌های حرکتی ظریف

بریدن مهارت حرکتی ظریفی است که نسبت به سایر مهارت‌ها، در سطح بالاتری قرار می‌گیرد.

جلسه‌ی نهم: در این مرحله دانش‌آموزان، سی دقیقه، به برش‌زدن بدون هدف روزنامه با قیچی می‌پردازند. در این جلسه به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود که چگونه قیچی را در دست بگیرند.

جلسه‌ی دهم: در این مرحله دانش‌آموزان، به‌طور هدفمند، چهار جهت اصلی روزنامه را با قیچی برش می‌زنند. زمان انجام این تمرین سی دقیقه است.

جلسه‌ی یازدهم: در این مرحله دانش‌آموزان با شابلون اشکال هندسی را روی ورق می‌کشند. سپس باید به‌صورت منظم دورتادور آن‌ها را برش بزنند و شکل هندسی را درآورند. این فعالیت به دقت و توجه دانش‌آموزان نیز کمک می‌کند. مدت زمان انجام این تمرین سی دقیقه است.

جلسه‌ی دوازدهم: در این مرحله دانش‌آموزان، سی دقیقه، بدون استفاده از شابلون به‌صورت ذهنی اشکال هندسی را درمی‌آورند.

جلسه‌ی سیزدهم: این جلسه به بریدن نی‌ها و نخ‌کردن آن‌ها اختصاص دارد. دانش‌آموزان باید، در سی دقیقه، نی‌ها را برش بزنند و نخ قرقره را از داخل نی‌های بریده‌شده رد کنند. این تمرین علاوه بر تقویت مهارت‌های حرکتی ظریف در تقویت انگشتان هم بسیار مؤثر است.

جلسه‌ی چهاردهم: آخرین تمرین مهارت‌های حرکتی ظریف با استفاده از مهره و پولک صورت می‌گیرد. در این مرحله دانش‌آموزان به‌مدت سی دقیقه مهره‌ها و پولک‌ها را از نخ قرقره با استفاده از انگشت اشاره و شست رد می‌کنند.



برخی از نتایج ضعف مهارت‌های حرکتی در زمینه آمده است.

منابع

۱. انصاری‌نیا، میناق، ۱۳۹۶، «فکش حسن عمقی و بینایی روی دست خط»، مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران
۲. بهادری، جعفر، ۱۳۹۶، «بررسی تأثیر تمرین‌های ادراکی، حرکتی بر مهارت‌های حرکتی درشت و ظریف»، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی، شماره‌ی دو (پیاپی ۹).

مامان مدیر



اعظم لاریجانی، کارشناس عکاسی

بخش (اپیزود) اول

مرد دست کودک را گرفته بود و به سختی دنبال خود می کشید. نسیم خنکی به صورت او می خورد. پاییز کم کم داشت رونمایی می کرد؛ اما تونق مدام نیما نمی گذاشت او از پاییز دلخواهش لذت ببرد. به کوچهی مدرسه که رسیدند، نیما خودش را محکم نگه داشت و داد زد: «ولم کنین! نمی خوام بیام.» مرد دستش را کشید و نیما روی کف پاهایش سر خورد. پدر ترسید دست فرزندش آسیب ببیند. از کشیدنش دست برداشت؛ ولی همچنان آن دستهای کوچک را در دستانش نگه داشت. سعی کرد عصبانیتش را فرو دهد. چند نفس عمیق کشید و به اطراف نگاه کرد. بچههای کلاس اولی دست در دست پدر، مادر یا هردوشان به سمت مدرسه می رفتند. او خوب می دانست نیما چقدر مشتاق بود که مدرسه برود. چقدر دربارهی مدرسه سؤال و جواب کرده بود. خوب می دانست، با وجود همهی مقاومتش، ته دل کوچک نیما اشتیاق بزرگی برای دیدن مدرسه مثل نبض می زند. پس صبر کرد تا خودش راهی شود. نیما نگاهی به پدر که به اطراف نگاه می کرد، انداخت. بعد هم او را دید که به پشت سرش نگاه می کند. دلش لرزید که نکند برگردد سمت خانه. راه افتاد، ولی همچنان غر می زد: «ولم کن! دستم عرق کرد. برو می خوام تنها برم.»

وارد کوچهی مدرسه شدند که جوی آبی وسط آن روان بود. پدر همچنان دست پسر را گرفته بود و گاه با انگشت شستش روی دست او را نوازش می کرد. همین که نیما نوازش پدر را احساس کرد، دوباره سرکشش اش شروع شد و پرید آن سمت جوی آب. مرد هم دنبالش رفت. دوباره نیما پرید این سمت جوی آب. مرد باز هم بدون گفتن هیچ کلامی، او را دنبال کرد. برای بار سوم که نیما به آن سمت جوی آب رفت، پدرش همان طرف ماند؛ ولی همچنان دست او را در دستش گرفته بود. نیما از این بازی سرحال آمده بود و بدون

با این حال باز هم بیست دقیقه معطل ماند و الان هم باید برای جبران این معطلی از سر تا ته کوچهی مدرسه را با پسرش، معین، بدود. معین هنوز معنی دیرشدن را نمی فهمید و این بدودو را نوعی بازی می دید و سر نشاط آمده بود. چند قدم که رفتند، پسر همان طور که دست مادرش در دستش بود، به سمت دیگر جوی آب پرید و دوباره شروع به دویدن کرد. زن می خواست توی ذوق بچه نزند؛ وگرنه خیلی برایش سخت

آنکه متوجه باشد، دست پدر را تاب می داد. مرد از این فرصت استفاده کرد و گفت: «بچهها، رو ببین. چقدر خوش حالن!»

نیما دوباره به حال قبلی اش برگشت و غرولندکنان گفت: «بیشترشون با مامانشون اومدن. ولم کن! نمی خوام درس بخونم.»

می دانست نیما بهانه گیری می کند. دل خودش هم گاهی بهانه می گیرد و بغض را تا گلویش هل می دهد. هنوز سه ماه نشده که نیما مادرش را از دست داده است.

مرد سکوت کرد. چاره ای نداشت. نمی دانست چه بگوید. وقتی یادش می افتاد که نیما سر بستر مادرش می رفت و می گفت که مامان، زود خوب شو، می خوام روز اول مدرسه با تو برم، دلش آتش می گرفت.

از دور ورودی مدرسه را دید. طاق گل بزرگی زده بودند و بوی اسفند به مشام می رسید. نیما با دیدن آن صحنه و شنیدن صدای جیغ و داد بچهها، از تونق کردن دست برداشت و از روی جوی به سمت پدرش پرید و قدم تند کرد. میان گل و دود و اسپند، در ازدحام پرسروصدای آنجا، در حالی که هنوز اخم هایش در هم بود، دست پدر را رها کرد و وارد مدرسه شد. پدرش نیز پشت سرش رفت و گوشه ای حیاط، کنار پدرها و مادرهای دیگر، ایستاد و بغضش را فرو داد.

بخش دوم

مادر با شتاب حرکت می کرد و پسر کوچکش تقریباً همپای او می دوید. گاهی قدمی عقب می ماند و با دو خودش را به مادر می رساند. مادر ایستاد و نگاه مهربان و روشنش چهرهی پسر را نواخت. کوله پشتی پسرش را گرفت و با مهربانی نگاهی به او انداخت و گفت: «بدو پسرم دیر شد.» صبح امروز خیلی زود بیدار شده بود تا قبل از همه به مدرسه برسد؛ اما ماشینش بین راه خاموش شد و دیگر روشن نشد که نشد. اول به امدادخودرو زنگ زد؛ ولی همین که شنید تا ۴۵ دقیقه دیگر به او می رسند، منصرف شد و به همسرش خبر داد تا خودش را زودتر برساند.



بود که کیف خودش، کوله‌ی پسرش و آن دست کوچک درازشده از آن طرف جوی آب را هم‌زمان در دست داشته باشد و بدود. چند قدمی مانده به در مدرسه که با طاق گلی زیبا تزیین شده بود، مادر با کشیدن دست معین او را به سمت خودش آورد و با صدای آرامی گفت: «مامان جان، توی مدرسه من دیگه مامانت نیستی، خانم مدیرم. باشه عزیزم؟» معین سری تکان داد و در حالی که قلبش

تاپ‌تاپ می‌زد، گفت: «باشه مامان مدیر!» هر دو از زیر طاق گل رد شدند. معین به سمت صف بچه‌ها رفت و مادر سریع خودش را به سکوی روبه‌روی دانش‌آموزان رساند.

بخش سوم

مدیر با معلم‌ها و معاون‌هایی که روی سکو بودند، سلامی رد و بدل کرد و صدایر (میکروفن) را برداشت و با لحن مهربانی گفت: «کلاس اولی‌ها،

شکوفه‌های نازنین، سلام. سلام جیغ‌مانند بچه‌ها در گوش حیاط پیچید. خانم مدیر خوشامدی هم به پدرها و مادرها گفت و معلم‌های هر کلاس را به آن‌ها معرفی کرد. معلم‌ها با سبیدی حصیری پر از هدیه به سمت صف‌ها رفتند.

نیما آخر صف بود. هر کس می‌آمد، نیما جایش را با او عوض می‌کرد تا بتواند برگردد و پدرش را ببیند. معین آخرین نفری بود که به صف آن‌ها پیوست و جلوی نیما در صف قرار گرفت. قد معین بلند بود و نیما هربار که صدای خانم مدیر در حیاط می‌پیچید، کمی سرش را به راست خم می‌کرد تا صورت او را هم ببیند. هر بار که برمی‌گشت تا ببیند پدرش هست یا نه، او برایش دستی تکان می‌داد و بوسه‌ای روانه می‌کرد. نیما تمام عصبانیتش از نبود مادر را سر پدر خالی می‌کرد؛ ولی باز هم او تنها کسی بود که دلش به او گرم بود.

خانمی با لباس آبی با سبد حصیری در دست از ابتدای صف شروع به حرکت کرد. لحظه‌به‌لحظه به او نزدیک‌تر می‌شد. دست بچه‌ها یکی‌یکی داخل سبد می‌رفت و بسته‌های کادوپیچ شده را برمی‌داشت. بالاخره نوبت او رسید. همین‌طور بی‌حرکت ایستاد و به نوک کفش‌هایش خیره ماند. معلم قدش را کوتاه کرد و دستش را روی شانه‌ی او گذاشت و گفت: «خوش اومدی پسر. یکی از این‌ها رو بردار.» نیما بسته را گرفت و معلم به سر صف برگشت و صف‌ها همراه معلم‌ها حرکت کردند. نیما به سکو که نزدیک شد، نگاهی دزدانه به خانم مدیر کرد. نفر جلویی که قدبلندتر از نیما بود، در حالی که بسته‌اش را نشان می‌داد، گفت: «مامان! مامان!»

خانم مدیر چشم‌غره‌ای رفت و بلافاصله لبخند زد. پسر فوراً حرفش را عوض کرد و گفت: «منظورم اینه که مامان مدیر! خانم مدیر!» نیما با تعجب نگاهی کرد و زیر لب گفت: «مامان مدیر؟»

یک دفعه انگار کشف تازه‌ای کرده باشد، همین‌طور که با صف از کنار سکو رد می‌شد، در حالی که سعی می‌کرد توجه خانم مدیر را جلب کند، با لبخندی از همان توی صف داد زد: «سلام مامان مدیر!»

این واژه انگار مسری بود. از سر تا ته صف بچه‌ها سعی می‌کردند با «سلام مامان مدیر» صدایشان را به گوش خانم مدیر برسانند. مدیر به‌سختی جلوی اشک‌هایش را می‌گرفت.



تمرین زمینی برای هدیه‌های آسمان

افزودن تکلیف‌های عملی به ارزشیابی کتاب هدیه‌های آسمانی

کبری نصیری، کارشناس تاریخ و آموزگار پایه پنجم ابتدایی، استان مازندران

درس هدیه‌های آسمان، در پایه پنجم، حاوی مطالبی است که برای آشنایی دانش‌آموزان با دین اسلام و زندگی امامان به رشته‌ی تحریر در آمده است. در ارزشیابی این درس نیازی به طراحی سؤال‌های امتحانی به صورت کتبی نیست و می‌توان دانش‌آموزان را به صورت شفاهی مورد ارزشیابی قرار داد. همچنین می‌توان برای ارزشیابی دانش‌آموزان، در این درس، از آزمون‌های عملکردی استفاده کرد. افزودن تکلیف‌های عملی به برنامه‌ی آموزشی دانش‌آموز و تبدیل او به فراگیرنده‌ی فعال، باعث می‌شود تا او رغبت و انگیزه‌ی لازم را برای مشارکت در فرایند یادگیری پیدا کند.

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی توصیفی، هدیه‌های آسمان، پایه پنجم.

مقدمه

آموزش و پرورش هر کشور نقش مهمی در رفتار فردی و اجتماعی افراد دارد. فعالیت‌های آموزشی را در جامعه می‌توان سرمایه‌گذاری یک نسل برای نسل دیگر دانست. به عبارت دیگر، هدف از فعالیت‌های آموزشی رشد آگاهی و بروز توانایی‌های نهفته‌ی انسان است. با توجه به گستردگی و پوشش وسیع نظام آموزشی، لازم است در طراحی و اجرای فعالیت‌های آن از مطلوب‌ترین شیوه‌ها استفاده کرد تا کیفیت آموزشی ارتقا یابد.

امروزه در حوزه‌ی آموزش و پرورش، بحث روش تدریس یکی از مسئله‌های مهم معلمان محسوب می‌شود. به کارگیری روش تدریس متناسب با هر ماده‌ی درسی اهمیت زیادی دارد و به پیشرفت دانش‌آموزان در زمینه‌های گوناگون کمک شایانی می‌کند. با توجه به

وضعیت فعلی جهان و پیشرفت چشمگیر فناوری‌های گوناگون، به‌خصوص فناوری ارتباطات و اطلاعات، ممکن است چنین تصور شود که تعلیم و تربیت فقط باید به‌طور خاص بر به‌کارگیری و تربیت کاربران برای استفاده‌ی مناسب از این فناوری‌ها تمرکز کند؛ اما واقعیت این است که صرف در اختیار داشتن و استفاده از این فناوری‌ها راهگشای انسان امروز و آینده نخواهد بود. امروزه بیشترین توجه معطوف به این موضوع است که چگونه فراگیرندگان دانش خود را تفسیر می‌کنند و به کار می‌گیرند تا مسائل پیچیده را حل کنند.

این‌گونه مهارت‌ها با آزمون‌های عینی و سنتی، مثل آزمون چندگزینه‌ای، سنجیده نمی‌شوند. هنگامی که فعالیت‌های عملی و آزمون‌های عملکردی جای خود را در برنامه‌ی سنجش فراگیرنده باز کنند، به دانش‌آموز و والدین او این پیام را می‌دهند که آموخته‌ها زمانی ارزش دارند که از محدوده‌ی ذهن خارج و در عمل به کار گرفته شوند.

برای طراحی آزمون‌های عملکردی در درس هدیه‌های آسمان ابتدا باید هدف‌های درس مشخص و شناسنامه‌ای برای آن تهیه شود. سپس با توجه به حدود انتظار معلم از فراگیرنده، دانش‌آموز آینده و راه‌حل و شیوه‌ی کار خود را در برگه‌ی ارزشیابی، ارائه کند. نظام ارزشیابی نیز باید با توجه به معیارهای موردنظر باشد؛ مثلاً ارزشیابی باید بر پایه‌ی این سؤال‌ها بنا شود: «آیا پاسخ در حدود انتظارات و اهداف موردنظر در سؤال است؟» «آیا نتیجه‌گیری صحیحی به عمل آمده است؟» «آیا در پاسخ، نظم فکری و کاری وجود دارد؟» «آیا دانش‌آموز به تمام جنبه‌های مسئله توجه کرده است؟»





روش کار

در ارزشیابی درس هدیه‌های آسمان پایه‌ی پنجم، نخست بازیهای (چکلیستی) را برای هر دانش‌آموز تهیه کردم. در هر جلسه علاوه بر آنکه، تمام دانش‌آموزان را راهنمایی و هدایت می‌کردم، یک گروه از دانش‌آموزان را زیر نظر می‌گرفتم و از آن‌ها ارزشیابی به عمل می‌آوردم. بدین‌منظور، جدول مخصوصی تهیه کرده بودم و بر اساس مشاهده‌ی رفتار و فعالیت دانش‌آموزان به هر کدام از آن‌ها امتیازی می‌دادم و رتبه‌ی مشخص می‌کردم. برای رتبه‌بندی آن‌ها نیز از سه عدد یک، دو و سه استفاده می‌کردم. گاهی نیز از سه رنگ متفاوت، سه شکل هندسی گوناگون یا از عبارتهای «بالتر از متوسط»، «رضایت‌بخش»، «باید بهتر شود» یا «عالی»، «خوب» و «متوسط» استفاده می‌کردم.

این ارزشیابی در حد امکان به صورت شفاهی انجام می‌شد. در طراحی سؤال‌ها نیز بسیار دقت می‌کردم؛ زیرا کتاب هدیه‌ها بر اساس ارزشیابی مستمر طراحی شده است. در پایان نیم‌سال، با بررسی عملکرد دانش‌آموزان ارزشیابی آن‌ها را به‌طور کامل ثبت می‌کردم. سنجش عملکرد دانش‌آموز در درس هدیه‌های آسمان، از طریق درگیر کردن او در تکلیف‌های عملی، چیزی فراتر از تعریف‌های سنتی، مثل حفظ کردن و ارائه‌دادن در کلاس است. این نوع سنجش به فعالیت یا کار خلاقانه‌ای اطلاق می‌شود که دانش‌آموز از طریق آن می‌تواند آنچه را آموخته است، به نمایش بگذارد یا بیان کند. تکلیف‌های عملی می‌توانند در زمانی کوتاه یا در یک بازه‌ی زمانی طولانی انجام شوند.



نمونه‌ای از بازی‌بندی درس هدیه‌های آسمان



جای خالی ابوالفضل

نجمه زارع

کارشناس آمار و ریاضی، آموزگار پایه سوم ابتدایی

یک صبح پاییزی مانند همیشه از خواب بیدار می‌شوم و زیر لب «خدایا به امید خودت» می‌گویم و از گوشه‌ی پنجره هم نگاهی به بیرون می‌اندازم. سرمای هوا خبر از آمدن سردترین فصل سال می‌دهد. برای رفتن به مدرسه آماده می‌شوم. در راه، کارهایم را با خود مرور می‌کنم.

- امروز دوشنبه زنگ اول ریاضی، زنگ دوم فارسی...

وارد کلاس می‌شوم. دانش‌آموزانم یکی یکی وارد می‌شوند. با گفتن سلام و صبح‌به‌خیر به یکدیگر، روز دیگری را شروع می‌کنیم. مانند روزهای قبل، ابتدا نام خدا را به زبان می‌آوریم و بعد سوره‌ای از قرآن را همخوانی می‌کنیم. سپس سراغ شعر روز هفته و ذکر آن روز می‌رویم.

بعد از روز یکشنبه/ رسید روز دوشنبه از ته دل می‌خونیم/ خدای مهربونم تو قلب‌های ما جانه/ یا قاضی الحاجاته حالا نوبت حضور و غیاب است. اسامی را یکی یکی می‌خوانم و حضوری را می‌زنم. روزهایی را که همه‌ی گل‌پسرهایم حاضرند، خیلی دوست دارم. وقتی همه حاضر باشند، با خیال راحت تدریس روزانه را انجام می‌دهم. نوبت به نام ابوالفضل می‌رسد.

- ابوالفضل مرادی پاسخی دریافت نمی‌کنم. جای خالی او را می‌بینم و به ناچار برایش غیبت می‌گذارم. ابوالفضل پسر مؤدب و مهربان کلاس است. شاید بتوان گفت که بیشتر روزها یک یا دو عدد نامه‌ی قدردانی و تشکر را که سراسر ابراز مهر و لطف است، از سمت او دریافت می‌کنم. برایم سؤال بود که چرا ابوالفضل امروز نیامده است. اهل غیبت که نیست، با سخت‌کوشی و حساسیتی هم که در او سراغ

دارم، نیامدنش عجیب به نظر می‌رسید. با این امید که ان‌شاءالله حال او خوب و دلیل غیبتش خیر است، سراغ سایر اسم‌ها می‌روم. در میانه‌ی تدریس هم دوباره فکر غیبت ابوالفضل به سراغم می‌آید. این چند روز اخیر ابوالفضل سر کلاس خواب‌آلود و بی‌حوصله شده بود. شاید دلیل غیبتش ربط به این موضوع داشت.

حدود بیست دقیقه‌ای از کلاس می‌گذشت که از پشت در کلاس، صدای درزدن به گوش می‌رسد. کسی اجازه‌ی ورود می‌خواهد. با گفتن بفرمایید، در باز می‌شود. ابوالفضل است. از دیدن او بسیار خوش حال می‌شوم. خدا را شکر که آمد و حالش خوب است.

- ابوالفضل جان، ساعت را دیده‌ای؟ چرا این قدر دیر آمدی پسرم؟

چهره‌ی کلافه و احموی ابوالفضل تعجبم را دوچندان می‌کند. ابوالفضل با ابروهای درهم‌گرفته خورده و چشمانی پر از خشم، در حالتی که بی‌حوصلگی از آن می‌بارید، می‌گوید: «دیشب را دیر خوابیدم. اصلاً خوب نخوابیدم و دوست داشتم که دیر به کلاس بیایم.»

سکوتی همراه با تعجب در کلاس حکمفرما می‌شود. بچه‌ها یکی یکی شروع به حرف زدن می‌کنند.

- ابوالفضل!

- چی شده؟

- ابوالفضل، حواست هست داری با خانم معلم صحبت می‌کنی؟!

- چرا این گونه جواب خانم معلم را می‌دهی؟! ابوالفضل با بی‌اعتنایی کامل به همه‌ی صحبت‌ها می‌رود و سر جایش می‌نشیند. این رفتار ابوالفضل مرا هم بسیار متعجب کرده است. کنارش می‌روم. آرام دستم را روی موهای لخت و شانه‌کرده‌اش می‌کشم. او همیشه مرتب و منظم است. سعی می‌کنم با آرامشی که نشان از تعجبم نداشته باشد با او حرف بزنم.

- ابوالفضل جان، من نگرانم بودم و الان خوش‌حالم که حالت خوب است و به کلاس آمده‌ای. باید بدانم کلاس هم نظم خودش را دارد. شما باید در ساعت مشخص به مدرسه و کلاس بیایی. پس سعی کن شب‌ها را زودتر بخوابی تا صبح زودتر و با انرژی بیشتری در کلاس حاضر شوی.

این بار ابوالفضل با برافروختگی بیشتری می‌گوید: «همین که هست. حوصله ندارم.» سعی می‌کنم از او فاصله بگیرم. تدریس را ادامه می‌دهم.

ابوالفضل را زیر نظر دارم.

احساس کلافگی و سردرگمی دارد. زنگ تفریح به صدا

در می‌آید. دانش‌آموزان

یکی یکی کلاس را ترک

می‌کنند. ابوالفضل

همچنان سر جایش

نشسته است. با حالتی

که پشیمانی در آن

پیداست، آرام‌آرام به

سمتم می‌آید.

- خانم معلم، معذرت

می‌خوام.

دستان کوچکش را در

دستانم می‌گیرم. از او

می‌خواهم به رفتار امروزش

بیشتر فکر کند و به حیاط

برای استراحت برود. تمام روزم

با زیر نظر گرفتن این پسر سپری

می‌شود. حال این مدت ابوالفضل و

رفتار امروزش چیزی نیست که بتوانم

راحت از کنار آن عبور کنم. موضوع را با مادر

ابوالفضل در میان می‌گذارم و از او می‌خواهم

تا تمام رسیدگی‌ها و مراقبت‌های لازم را

انجام دهد.

مدتی از این ماجرا می‌گذرد. اکنون

چند روزی است که ابوالفضل سر کلاس

خواب‌آلود و بی‌حوصله نیست. فعالیت‌های

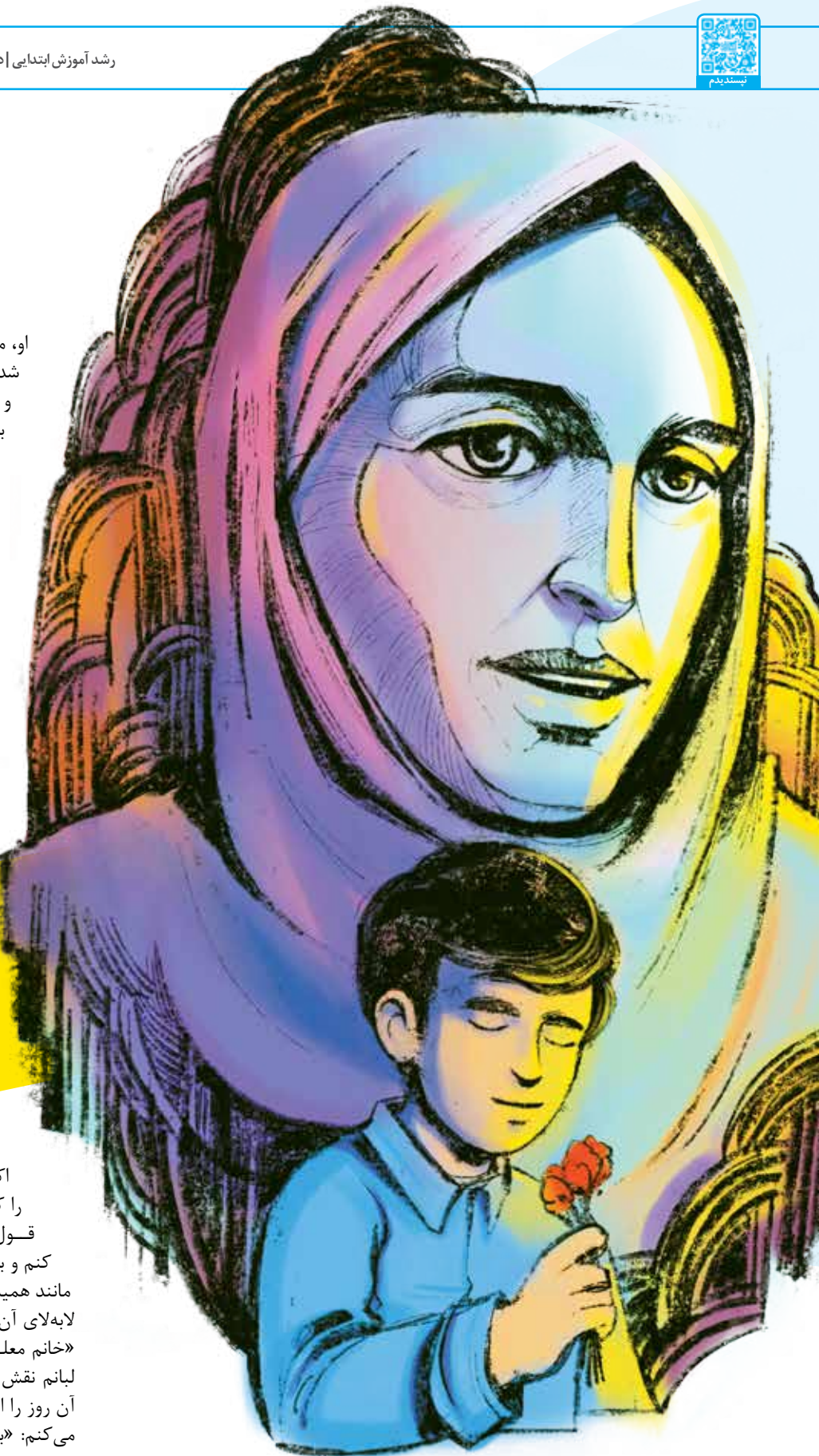


او، مانند قبل، حتی بهتر از قبل هم شده است. در پاسخ‌گویی به سؤالات و مشارکت در فعالیت‌های کلاسی بسیار مشتاق و فعال است.

امروز مادر ابوالفضل به دیدارم آمد. با شاخه گلی زیبا که نشان از محبت همیشگی اوست. بعد از سلام و احوالپرسی، تشکر ویژه‌ای می‌کند. گویا بعد از ماجرای آن روز و در جریان قرارگرفتن خانواده، ابوالفضل تحت درمان پزشکی قرار می‌گیرد. نتیجه‌ی آزمایش‌ها نشان می‌داد که ابوالفضل مشکل کم‌خونی دارد. با پیگیری به‌موقع و درمان پزشکی روند او رو به بهبود می‌رود.

موقع برگشت به خانه، با شاخه گلی در دست، احساس بسیار خوبی دارم؛ احساس شادمانی و سبکبالی؛ چراکه توانسته‌ام رسالت معلمی‌ام را به‌خوبی انجام دهم و بی‌تفاوت از کنار اخلاق و روحیات دانش‌آموزانم نگزشته‌ام، حالت‌هایی که می‌توانند مانند یک علامت

هشدار باشند. به خانه می‌روم. اکنون فرصت خوبی است تا نامه‌ای را که ابوالفضل برایم نوشته است و قبول داده‌ام در خانه آن را بخوانم، باز کنم و بخوانم. نامه‌ای زیبا و احساسی و مانند همیشه پر از قلب‌های رنگی که در لابه‌لای آن‌ها به تکرار نوشته شده است: «خانم معلم، دوستت دارم.» لبخندی بر لبانم نقش می‌زند. نامه‌ی ابوالفضل خستگی آن روز را از تنم به در می‌کند. با خود فکر می‌کنم: «به‌راستی رسالت معلمی چیست!»



حدس سارا

طاهره صالحی

کارشناس ارشد مشاوره، آموزگار پایه‌ی دوم ابتدایی،

مدرسه‌ی مهرگان بابل

عذرا بیگم هژبری

دکترای برنامه‌ریزی آموزشی، مدرس دانشگاه و مدیر

مدرسه‌ی ابتدایی مهرگان بابل

معلمی شغلی بود که من از دوران متوسطه به آن علاقه‌مند شده بودم و مدام خودم را در آن نقش تصور می‌کردم. حتی بعد از اینکه بهترین رتبه‌ی دانشگاهی را هم به دست آوردم، همچنان بر معلمی تأکید داشتم. اکنون بیست سال از معلم شدنم می‌گذرد و من در طول این سال‌ها، با عشق و علاقه‌ی وصفناپذیری کار کرده‌ام.

معمولاً طی هر سال تحصیلی که با گروهی از دانش‌آموزان روبه‌رو می‌شوم و یک سال را با آن‌ها سپری می‌کنم، در ماه اول، تمرکز را روی شناخت بهتر آن‌ها می‌گذارم. روحیه و استعدادها را هر کدام را زیر نظر می‌گیرم و تلاش می‌کنم با این شناختی که به دست می‌آورم، رفتارهایی را متناسب با شخصیت آن‌ها داشته باشم، به گونه‌ای که پس از مدتی، رابطه‌ی معلم‌شاگردی عمیق و لذت‌بخشی بین ما شکل می‌گیرد.

در این سال‌ها، تلاش کرده‌ام از طریق تحصیل و کسب تجربه، خودم را برای درک دانش‌آموزانم و پشتیبانی بهتر از آن‌ها آماده کنم. بدین منظور، تصمیم گرفتم برای ادامه‌ی تحصیل در دوره‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی مشاوره را انتخاب کنم. این انتخاب مراد دست‌یابی به اهداف بسیار کمک کرد؛ چرا که جدای از بحث آموزش، پرورش روح و روان دانش‌آموزان نیز یکی از اهداف مهم من در بحث معلمی است. برای رسیدن به این مهم، با همکاری مدیر محترم مدرسه، در سال تحصیلی جدید طرحی تحت عنوان «اجرای اتیکت^۱» را در دستور کار خود قرار دادم.

همان‌طور که می‌دانیم دانش‌آموزان، هر سال، ویژگی‌هایی دارند که تا حدی آنان را از شاگردان سال قبل متمایز می‌کند. به خصوص که در سال‌های اخیر با طیف جدیدی از دانش‌آموزان مواجه هستیم که به دانش‌آموزان

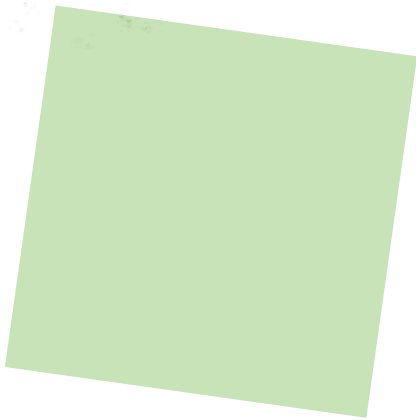
نسل آلفا^۲ شناخته می‌شوند و ویژگی‌های خاص خود را دارند، از جمله اینکه، بیشتر وقت خود را با تلفن همراه و رایانه می‌گذرانند و بخش عمده‌ی اوقات فراغت خود را صرف بازی‌های مربوط به گوشی همراه می‌کنند. این بچه‌ها سواد دیجیتال بالایی دارند؛ اما در عوض، توان برقراری روابط اجتماعی چندانی با هم‌سالان خود ندارند و در مهارت‌های ارتباطی و ایجاد ارتباط درست و صمیمی با دیگران کمتر موفق هستند. به این سبب در دوست‌یابی و ایجاد ارتباط با یکدیگر نیز مهارت چندانی ندارند و در این زمینه با مشکل روبه‌رو می‌شوند و دائماً از یکدیگر شکایت می‌کنند.

در همین راستا، تجربه‌ای را نقل می‌کنم که در ضمن تدریس، با گوشزد کردن نکاتی در مورد مهارت ارتباط برقرار کردن و یادآوری دیگر مهارت‌های زندگی توانستم مشکل سارا را حل کنم.

در بین دانش‌آموزان کلاس دختری دارم به نام سارا که بسیار حساس و زودرنج است. یک روز صبح که وارد کلاس شدم، یکی از دانش‌آموزان پیش من آمد و گفت: «خانم معلم، سارا ناراحت است و می‌گوید که آینه‌ی من را دوست ندارد.» نگاهم به سمت سارا رفت و با چهره‌ی ناراحت و غمناک او مواجه شدم. فکر کردم بهتر است، در یک فرصت مناسب، با او صحبت کنم.

فعالیت‌هایی را ادامه دادم. زنگ اول ریاضی داشتم و قرار بود مفهوم «حدس و آزمایش» را تدریس کنم؛ اما همچنان ذهنم درگیر چهره‌ی غمگین سارا بود. با نام و یاد خدا، درس را شروع کردم. به ذهنم رسید می‌توانم در لابه‌لای جریان تدریس، مشکل سارا را بگنجانم و غیرمستقیم پیامم را به او برسانم. ابتدا کمی در مورد مفهوم حدس‌زدن و چند مثال از مواردی را که ما در زندگی روزمره‌ی خود حدس می‌زنیم، برای بچه‌ها بیان کردم؛ مثل اینکه ما حدس می‌زنیم شاید امروز باران بیارد یا حدس می‌زنیم امروز مادر بزرگم به خانه‌ی ما می‌آید و... .

بعد از اینکه مفهوم حدس را برایشان جانداختم، از آنان سؤال کردم که آیا تا به حال حدس





زده‌اند یا خیر. کلاس پر از شور و سروصدا شده بود و همه با صدای بلند جواب دادند: بله.
 - آیا حدس‌های شما همیشه درست بوده است؟
 - نه خانم معلم، همیشه درست نبوده است.
 - چطور متوجه درست یا نادرست بودن حدس‌های خود شده‌اید؟

هر کدام از بچه‌ها با هیجان می‌گفتند: «خانم معلم، من بگویم، من بگویم!» به آن‌ها پیشنهاد دادم برای اینکه بتوانیم بهتر صدای همدیگر را بشنویم، باید اول آرام باشیم، بعد هر کدام به نوبت صحبت کنیم تا بینیم دوستانمان هم چه جواب‌هایی می‌دهند. ترانه گفت: «من از مادرم می‌پرسم.» لعلیا گفت: «ما می‌توانیم از معلممان بپرسیم.» پرمیس گفت: «خانم معلم، ما می‌توانیم مثل دانشمندان تحقیق کنیم.» من با شنیدن پاسخ‌هایشان خوش حال می‌شدم و آن‌ها را تشویق و توضیحاتشان را کامل‌تر می‌کردم.

در لابه‌لای این پرسش و پاسخ، برای آن‌ها توضیح دادم که بله بچه‌ها، همان‌طور که خودتان هم اشاره کردید، ما در زندگی خود حدس‌هایی می‌زنیم که ممکن است، درست نباشد. مثلاً حدس می‌زنیم پدر و مادرمان، برادرمان را بیشتر از ما دوست دارند. یا دوستان ما را زیاد دوست ندارد؛ اما وقتی می‌بینیم که پدر و مادر آن‌قدر مراقب ما هستند و برای موفقیت ما تلاش زیادی می‌کنند، متوجه می‌شویم که حدسمان اشتباه بوده است یا اینکه وقتی می‌بینیم هر موقع مداد یا چیزی داریم، دوستان آن را در اختیارمان می‌گذارند، می‌فهمیم که حدس ما در مورد دوستان درست نبوده است.

در بین این صحبت‌ها، متوجه سارا بودم. با دیدن صورت او فهمیدم که حالش خیلی بهتر شده است. از لبخندی که به روی لبش نشست بود، می‌شد به این موضوع پی برد. من هم از دیدن صورت سارا و حس خوب او خوش حال شدم و تدریس را ادامه دادم و زنگ ریاضی شیرینی را در کنار هم تجربه کردیم.

نحوه‌ی تعامل با دانش‌آموزان و رسوخ کردن در دل آن‌ها کار سختی نیست. فقط باید آنان را خوب بشناسیم و آن‌ها را عجولانه قضاوت نکنیم. وقتی بر طبق عشق و علاقه‌ای که در قلبمان به دانش‌آموزانمان داریم، با آنان رفتار می‌کنیم، نه تنها بچه‌ها از این ارتباط لذت می‌برند، بلکه خودمان هم از به‌یادآوردن آن موارد، حتی پس از سال‌ها، کاملاً شیرین می‌شود.



۱. منظور از اجرای اتیکت (آداب) فعالیت‌هایی هستند که در حوزه‌ی تقویت، ایجاد یا پرورش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان ارائه می‌شود.
 ۲. دانش‌آموزانی که از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ متولد شده‌اند یا می‌شوند.



با خطوط مختلف نقاشی بکشیم.

نقاشی، آینه‌ی احساس کودکان

آموزش به شیوه‌ی کودکان، نه بزرگسالان

مریم اسدی

کارشناس ارشد گرافیک و معاون آموزشی
مدرسه‌ی ابتدایی در منطقه ۳ تهران



هنر در کودکان دریچه‌ای است رو به رفتاری صادقانه، پاک و معصوم. کودکان نیاز دارند جهان پیرامون خود را بشناسند و حواس پنج‌گانه و مهارت‌های خود را تقویت کنند. این مهم زیر سایه‌ی تجربه‌های تجسمی امکان‌پذیر می‌شود. کودک با انجام نقاشی، چسبانه‌کاری (کلاژ)، خوشنویسی، سفالگری و... علاوه بر لذت‌بردن، می‌آموزد که چگونه با مسائل روبه‌رو شود و بتواند مشکلات خود را از راه‌های گوناگون حل کند.

در این صفحه قرار است به هنر نقاشی بپردازیم که یکی از شاخه‌های هنرهای تجسمی است و درباره‌ی شیوه‌ی آموزش آن به کودکان صحبت کنیم. گرایش کودکان به خط‌خطی کردن و نقاشی کشیدن، امری غریزی و وابسته به دنیای مخصوص آن‌هاست و با نقاشی بزرگسالان متفاوت است. نقاشی کشیدن در تشکیل شخصیت و روان کودک اهمیت بسزایی دارد. او خود را از ممنوعیت‌ها رها می‌سازد و به‌طور ناخودآگاه درباره‌ی محیط، کشفیات، عواطف و ترس‌ها به زبان تصویر صحبت می‌کند.

اگر با دقت به کودکانی که در حال نقاشی کشیدن هستند، نگاه کنید، متوجه می‌شوید که آن‌ها موجودات شگفت‌انگیز و غریبی هستند که نقاشی و دیدگاه‌های آن‌ها بسیار متفاوت است. بچه‌ها از آرام نشستن در یک جا بیزارند و نقاشی کردن از روی مدلی زنده و واقعی برای آن‌ها کار بسیار دشوار و سختی است. آن‌ها می‌خواهند، در کوتاه‌ترین زمان و با راحت‌ترین وسایل و ابزار، نقاشی خود را ترسیم و احساسات خود را بیان کنند. برای آموزش نقاشی به کودکان توجه به چند نکته ضروری است:



رنگ‌هایی استفاده می‌کنند و با چه سبکی نقاشی می‌کشند.

نکته‌ی دوم: اجزای نقاشی را جزء به جزء و کل به جزء بررسی کنیم. اگر دانش‌آموزی گفت که نمی‌تواند موردی را نقاشی کند، با او وارد صحبت شویم و از طریق سؤال و جواب از او بخواهیم اجزای آنچه را می‌خواهد بکشد، شرح دهد و در نهایت آن را روی کاغذ یا مقوا ترسیم کند.

نکته‌ی سوم: بهتر است در هنگام آموزش نقاشی به کودکان از روش غیر مستقیم کمک بگیریم و از الگوبرداری که خاص بزرگسالان است و روش‌های سنتی آموزش دوری کنیم تا کودکان بتوانند باورها و احساسات

نکته‌ی اول: در جلسه‌ی اول با موضوعی آزاد کلاس خود را آغاز کنیم. هدف از اینکه آن‌ها را آزاد می‌گذاریم، شناسایی سطح و مهارت‌های کودکان در کار نقاشی است. در این جلسه، در حین نقاشی بچه‌ها، باید با دقت آن‌ها را زیر نظر بگیریم و بررسی کنیم و ببینیم چه وسایلی را بیشتر استفاده می‌کنند و چه موضوعاتی را برای نقاشی کردن ترجیح می‌دهند و از چه

درونی خود را خلاقانه و به کمک هنر و ابزارهای آن بیان کنند؛ مثلاً در آموزش سنتی، عکس یک فیل به هنرجو نشان داده می‌شود. بر اساس آن عکس، هنرجو سعی می‌کند نزدیک‌ترین تصویر به فیل واقعی را بکشد. در این بین، تخیل هنرجو (کودک) فعال نمی‌شود و نقاشی او تقلیدی صرف از تصویر اصلی است. در شیوه‌ی غیرمستقیم، معلم سعی می‌کند از خصوصیات فیل صحبت کند و تصویرسازی ذهنی کودک و تخیل او را به کار گیرد تا کودک بر اساس تخیل خود به موضوع نزدیک شود و طبق دیدگاه خود آن را به تصویر بکشد.

هشدار: معلم‌های عزیز از کشیدن نقاشی برای کودکان و آموزش آن‌ها از طریق الگوبرداری مستقیم پرهیز کنید.

نکته‌ی چهارم: کودک هنرجو را از رقابت با هم‌کلاسی‌ها و توجه به نحوه‌ی نقاشی کشیدن دیگر دوستان خود دور و به

خلاقیت فردی او توجه کنید. زیبایی‌شناسی منحصر به فرد در هر انسان از کودکی شکل می‌گیرد و با او همراه است. در صورت بی‌توجهی به این بخش از استعدادها، به مرور این استعداد به فراموشی سپرده می‌شود و بازیابی آن در سنین بزرگسالی بسیار دشوار خواهد بود.

اگر به آثار نقاشان نوگرا در جهان توجه کنیم، درمی‌یابیم که فردی مانند پیکاسو در آثار متأخر خود، همچون کودکان، به دنبال آزادی شکل‌ها و رنگ‌ها روی سطح بوده است و برای دستیابی به این توانایی که در گذشته به آن توجه نکرده بود، ماه‌ها تلاش می‌کند تا کودک درون خود را زنده کند و روی بوم سفید به بازی با شکل‌ها و رنگ‌ها بپردازد.

نکته‌ی پنجم: پایان جلسه‌ی اول بهتر است نقاشی‌های بچه‌ها را روی تخته یا دیوار کلاس نصب کنیم و از آن‌ها بخواهیم در مورد نقاشی‌های خود صحبت کنند.

نکته‌ی ششم: لازم است پایین یا پشت نقاشی تاریخ و موضوع نقاشی نوشته شود. درج تاریخ برای این است که معلم بتواند روند کاری کودک را طی دوران آموزش و فعالیت در کلاس یا در منزل مقایسه و تأثیر خلاقیت آموزش بر کودک را بررسی کند.



خانواده‌ی مجلات رشد



محمد رضا شبانی، کارشناس ارشد حسابداری

سلام بر عزیزان دغدغه‌مند و دلسوز عرصه‌ی تعلیم و تربیت، به‌خصوص معلمان صبور دوره‌ی ابتدایی.

در دو سال گذشته سعی کرده‌ایم، در این قسمت از مجله، شما عزیزان را در جریان بخش جدیدی از مجلات رشد کودک، نوآموز و دانش‌آموز یعنی بخش قصه‌درس‌ها قرار دهیم. قصه‌درس‌هایی که از همان سال اول با این نیت به رشته‌ی تحریر درآمدند که در سبد محتوایی معلمان بزرگوار جایی داشته باشند و بتوانند نقشی، حتی کوچک، در طرح درس‌های سنگربانان جبهه‌ی تعلیم و تربیت ایفا کنند. امسال نیز، همچون دو سال گذشته، تلاش می‌کنیم ابعاد گوناگونی از این قصه‌درس‌ها را تشریح کنیم. ابعدی که می‌توانند برای معلمان جذاب و کاربردی باشند؛ همچون مفاهیمی که از کتاب‌ها و پایه‌های متعدد در این قصه‌درس‌ها

مورد استفاده قرار گرفته‌اند یا نحوه‌ی تلفیق این مفاهیم و به‌کاربردنشان در یک داستان جذاب و ادامه‌دار.

قبل از ورود به جزئیات قصه‌درس‌های مهرماه هر مجله، توجه شما عزیزان را به کلیاتی از این روند جلب می‌کنیم:

- در طرح کلی قصه‌درس‌ها، شخصیت‌های اصلی در شماره‌های متعدد ثابت هستند. از این طریق، دانش‌آموزان با پیگیری اتفاقات مربوط به هر شخصیت، به انسجام فکری دست می‌یابند. با این کار، گامی نیز برای شخصیت‌سازی در مجلات رشد ابتدایی برداشته می‌شود.

- در این دوره از قصه‌درس‌ها، تاحدامکان، اشاره‌ی مستقیمی به درس و مفهوم مورد استفاده در داستان نشده است تا به جذابیت داستان لطمه‌ای وارد نشود. مفاهیم مورد نظر قبل از شروع داستان به‌صورت یکجا و مستقل از داستان آمده‌اند.

- برای نوشتن این قصه‌درس‌ها، گروه‌هایی متشکل از نویسندگان توانمند کودک و همچنین کارشناسان تعلیم و تربیت دوره‌ی ابتدایی تشکیل

شده است. این قصه‌درس‌ها حاصل جلسات متعدد این گروه‌ها و رفت‌وبرگشت‌های زیاد داستان‌ها بین کارشناسان و نویسندگان هستند. - امسال مفاهیم درس‌ها در پایه‌های متعدد به‌گونه‌ای انتخاب شده‌اند که تا حد ممکن این قصه‌درس‌ها مورد استفاده‌ی تعداد بیشتری از دانش‌آموزان و معلمان عزیز قرار گیرند.

- برای جذابیت بیشتر قصه‌درس‌ها تلاش شده است داستان‌ها به زبان طنز نوشته شوند.

- در دوره‌ی جدید، تلاش شده است سرفصل‌ها و مفاهیمی که در داستان‌ها به کار رفته‌اند، مربوط به بودجه‌بندی رسمی آموزش و پرورش همان ماه باشند تا معلمان عزیز بتوانند بهره‌ی بیشتری از آن محتوا ببرند.

- با توجه به اهمیت این بخش از مجلات و امید به تأثیرگذاری آن در جریان آموزش‌های معلمان عزیز در کلاس درس، در مجلات رشد نوآموز و دانش‌آموز شش صفحه و در مجله‌ی کودک ده صفحه به قصه‌درس‌ها اختصاص داده شده است. امید است این قصه‌درس‌ها بتوانند زمینه‌ای را برای ایجاد نگرش‌های لازم، در معلمان عزیز، برای طراحی طرح درس‌های تلفیقی فراهم کنند.

با توجه به شروع زبان‌آموزی در پایه‌ی اول و اهمیت این موضوع در بین معلمان عزیز بر آن شدیم تا در روند تولید قصه‌درس‌های مجله‌ی کودک، در سال تحصیلی جاری، تغییراتی را به این شرح رقم بزنیم:

- امسال محور اصلی مفاهیم مورد استفاده‌ی قصه‌درس‌های کودک کتاب فارسی اول ابتدایی است و داستان‌ها کاملاً منطبق بر بودجه‌بندی کتاب فارسی پایه‌ی اول هستند.

- در هر شماره‌ی مجله (هر ماه) چهار داستان متناسب با چهار درس کتاب فارسی پایه‌ی اول در هر ماه (هفته‌ای یک درس و دو نشانه) نوشته شده است.

- با توجه به اینکه دانش‌آموزان پایه‌ی اول، در ابتدای سال، هنوز مهارت خواندن را کسب نکرده‌اند، داستان‌های مربوط به ماه مهر، در مجله‌ی کودک، مطابق با بخش نگاره‌های کتاب فارسی پایه‌ی اول و به‌صورت داستان‌های تصویری هستند.

- با توجه به فرایند تدریجی تکمیل مهارت زبان‌آموزی دانش‌آموزان، در طول سال تحصیلی، تعداد کلمات مورد استفاده در داستان‌های هر ماه نیز، متناسب با این فرایند، افزایش می‌یابد.





**خلاصه‌ای از قصه‌درس‌های
مجله‌ی رشد کودک مهرماه**

داستان اول

این داستان در شش تصویر پیاپی و در دو صفحه آمده است. با توجه به موضوع نگاره‌های یک و دو، یعنی خانه و خانواده، داستان مربوط به خانواده‌ای پنج نفری است. شخصیت‌های این داستان عبارت‌اند از: بابا، مامان، پسر هفت ساله، دختر شش ساله و کودک‌کی سه ساله به همراه کتابی که بار طنز داستان بر دوش اوست. در تصویر اول، هر کدام از اعضای خانواده سرگرم کار خود هستند و کتاب سعی می‌کند از لابه‌لای کتاب‌ها بیرون بیاید و جلب توجه کند. این ماجرا در تصویرهای بعدی با اتفاقاتی همراه می‌شود تا در نهایت، در تصویر پایانی، زمانی که همه آماده می‌شوند از خانه خارج شوند، کتاب هم سعی می‌کند به‌زور وارد کیف پسرپچه‌ی داستان شود.

کلمه‌ای هستند. چهار داستان مصور دنباله‌دار با شخصیت‌های ثابت در مجله‌ی مهر وجود دارد و ده نگاره‌ی موجود، در بخش اول کتاب فارسی پایه‌ی اول، در قالب داستان‌های تلفیقی آمده‌اند:

داستان اول:

نگاره‌ی ۱: به خانه خوش آمدید!

نگاره‌ی ۲: بچه‌ها، آماده!

داستان دوم:

نگاره‌ی ۳: یک و دو و سه، راه مدرسه

نگاره‌ی ۴: به مدرسه رسیدیم.

داستان سوم:

نگاره‌ی ۵: از کلاس ما چه خبر؟

نگاره‌ی ۶: بازی، بازی، تماشا (بوستان)

نگاره‌ی ۸: چه دنیای قشنگی (باغ وحش)!

داستان چهارم:

نگاره‌ی ۷: به به، چه روستایی!

نگاره‌ی ۹: در مسجد محله

نگاره‌ی ۱۰: نوروز در خانه ما

- در این مسیر، تلاش شده است که با ایجاد فضایی تعاملی، بین نویسندگان و تصویرگران، در ابتدا، در داستان‌ها، حجم تصویر نسبت به حجم متن بیشتر باشد و در انتهای کار، متناسب با افزایش سطح سواد دانش‌آموزان حجم متن بر حجم تصویر غالب باشد.

در این میان، ضمن قدردانی از توجه شما عزیزان، از شما درخواست می‌شود مانند سال گذشته با ارسال نکته‌ها، نقدها و نمونه‌ی طرح درس‌های تلفیقی خود در رشد و ارتقای این طرح سهیم باشید. در ادامه، چکیده‌ای از آنچه در قصه‌درس‌های مجلات کودک، نوآموز و دانش‌آموز آمده است، تقدیم شما می‌شود:

قصه‌درس‌های مجله‌ی رشد کودک مهرماه

با توجه به اینکه کتاب فارسی پایه‌ی اول در مهرماه به نگاره‌ها می‌پردازد، قصه‌درس‌ها هم به‌صورت داستان مصور (کمیک استریپ) نوشته شده‌اند و همانند نگاره‌ها فاقد هرگونه متن یا

داستان دوم

این داستان هم در شش تصویر و در دو صفحه آمده است. با توجه به نگاره‌های سه و چهار، یعنی راه مدرسه و مدرسه، در تصویر اول فضای بیرون خانه و نمادهایی از محله وجود دارد و تصویرهای بعدی اتفاقاتی را که در طول مسیر مدرسه می‌افتند، نشان می‌دهند. در تصویر آخر بچه‌ها در صف‌های صبحگاه مدرسه ایستاده‌اند و گریه‌ای با عصبانیت به کتابی که از کوله‌ی پسر بچه به بیرون سرک می‌کشد، نگاه می‌کنند.

داستان سوم

این داستان در پنج تصویر و در دو صفحه آمده است. با توجه به نگاره‌های پنج و شش و هشت، یعنی کلاس و بوستان و باغ‌وحش، داستان در تصویر اول از کلاس درس پسر بچه آغاز می‌شود. معلم مشغول صحبت در مورد

یوزپلنگ ایرانی است. بعد از اتفاقاتی که در مسیر داستان می‌افتد، در تصویر نهایی، همه‌ی اعضای خانواده در باغ‌وحش کنار قفس یوز ایرانی ایستاده‌اند و کتاب برای یوز ایرانی ادا در می‌آورد و پلنگ هاج و واج او را نگاه می‌کند.

داستان چهارم

این داستان در شش تصویر و در دو صفحه آمده است. با توجه به نگاره‌های هفت و نه و ده، یعنی مسجد و روستا و عید نوروز، داستان در تصویر اول با آماده‌شدن اعضای خانواده برای سفر عید نوروز شروع می‌شود و پس از اتفاقاتی که در طول مسیر می‌افتد، در تصویر آخر، همه‌ی خانواده در کنار پدر بزرگ و مادر بزرگ دور سفره‌ی هفت‌سین نشسته‌اند و کتاب صورتش را به تنگ ماهی چسبانده است و برای ماهی شکلک در می‌آورد.

در این شماره از مجله‌ی کودک، بعد از داستان نگاره‌ها، دو سرگرمی متناسب با موضوع نگاره‌ها در دو صفحه آمده است؛ یکی از آن‌ها تصویری نیمه‌کاره از حیاط یک مدرسه با جزئیات آن است که دانش‌آموزان باید آن را کامل کنند و دیگری پیدا کردن تفاوت‌های دو تصویر مشابه از یک بوستان است.

خلاصه‌ای از داستان قصه‌درس مجله‌ی رشد نوآموز مهرماه

قصه‌درس این شماره در مجله‌ی رشد نوآموز داستانی دنباله‌دار است با رگه‌هایی از طنز، در مورد دو تن از نوادگان ناخدایی شجاع که سال‌های خیلی دور، در جنوب ایران، کشتیرانی می‌کرده است. این ناخدا را که به‌همراه هددهش دریانوردی می‌کرده است، تقریباً تمام مردم جنوب می‌شناسند؛ اما نوادگان ناخدا پسر و دختری به نام آرمان



جزیره‌ی دورهمی: مربوط به مفاهیم کتاب تعلیمات اجتماعی دوم و سوم؛
جزیره‌ی الفبا: مربوط به مفاهیم کتاب فارسی دوم و سوم؛
جزیره‌ی درخشان: مربوط به مفاهیم کتاب هدیه‌های آسمان و قرآن دوم و سوم؛
جزیره‌ی دانایی: مربوط به مفاهیم کتاب علوم تجربی دوم و سوم.

خلاصه‌ای از داستان قصه‌درس مجله‌ی رشد دانش‌آموز مهرماه

قصه‌درس این مجله داستانی دنباله‌دار و آمیخته با طنز در مورد حلزونی است که برای نجات سرزمینی دورافتاده، در کوه قاف، باید دانه‌های شفاف‌بخش را به سفارش پدربزرگش به آنجا ببرد. این مسیر با سختی‌ها و مسئله‌هایی غیرمترقبه همراه است. پدربزرگ هفت نامه‌ی سر به مهر هم به رابی‌را می‌دهد تا هر روز یکی از آن‌ها را بخواند. رابی‌را، حلزون قصه‌ی ما، برای عبور از هر مسیر با حیوانی همراه می‌شود که آن حیوان خصلت ردیله‌ای دارد و در پایان آن مرحله (قسمتی از مسیر) با راهنمایی‌های رابی‌را و خواندن نامه‌ی پدربزرگ آن خصلت ردیله به صفتی نیکو بدل می‌شود.

در شماره‌ی مهرماه، رابی‌را با تمساحی به نام زودقات همراه می‌شود. زودقات تمساحی همیشه عصبانی بود و برای همه قاتی می‌کرد. وقتی رابی‌را توانست با حرف‌های خوبش کمی در دل زودقات راه پیدا کند، سوار بر زودقات مسیر چندساعته و شاید چندروزه را در عرض چند دقیقه در رودخانه طی کرد. در حین مسیر، اتفاقاتی برای رابی‌را و زودقات رخ می‌دهد که هر کدام به یکی از مفاهیم درس‌های دوره‌ی دوم ابتدایی مربوط می‌شود.

مفاهیمی که در قصه‌درس مجله‌ی دانش‌آموز مهرماه به کار رفته‌اند، به این شرح‌اند:
 - مخلوط‌ها در زندگی، درس دوم کتاب علوم تجربی پایه‌ی چهارم؛
 - معرفی اعداد صحیح، فصل اول کتاب ریاضی پایه‌ی ششم؛
 - ماده تغییر می‌کند، درس دوم کتاب علوم تجربی پایه‌ی پنجم؛
 - دسته گلی از آسمان، درس اول کتاب هدیه‌های آسمان پایه‌ی پنجم.



میزبان آرمان و آیه خواهند بود. آرمان و آیه هر بار با ورود به این جزیره‌ها و کمک گرفتن از ساکنان آن و البته انجام خدمتی به آن‌ها که مورد نیازشان است، می‌توانند مسأله‌ی را که برایشان پیش می‌آید، حل کنند. در مجله‌ی مهرماه، آرمان و آیه برای ساخت کتابخانه‌ای برای اتاق درهم‌برهمشان رأس همان ساعت خاص وارد کشتی می‌شوند و...
 نام جزیره‌هایی که آرمان و آیه وارد آن می‌شوند، عبارت‌اند از:
جزیره‌ی جمع و تفریق: مربوط به مفاهیم کتاب‌های ریاضی دوم و سوم؛

و آیه هستند که کاملاً اتفاقی، در وسایل قدیمی خانه، جعبه‌ای شبیه جعبه‌های گنج قدیمی پیدا می‌کنند که داخل آن یک ساعت جیبی بسیار قدیمی و یک نقشه‌ی دریایی با تصویرهای عجیب و غریب و تصویر کشتی جدشان قرار داشت.
 ماجراهای آرمان و آیه از آنجایی جذاب می‌شود که این دو متوجه می‌شوند رأس ساعت‌هایی خاص، در طول روز، می‌توانند وارد نقشه شوند و به همراه پدربزرگ و همدانش به جزیره‌هایی عجیب و غریب بروند. این جزیره‌ها که هر کدام ساکنان عجیب و غریبی دارد،

فرصت ناب رشد

کانونی برای بررسی آثار دانش آموزی



حسین نامی ساعی
کارشناس ارشد ریاضی

همکاران گرامی، شاید در کلاس شما دانش آموزان با استعدادی در زمینه‌های گوناگون ادبی و هنری باشند که خواسته باشید آن‌ها را در مسیر رشد استعدادهایشان راهنمایی کنید. این نوشتار مرکزی را به شما معرفی می‌کند که می‌توانید از طریق مکاتبه، دانش آموزان خود را با آن ارتباط دهید تا از نظرات کارشناسان آن مرکز بهره‌مند شوند. این مرکز تابستان‌ها نیز فعال است و دانش آموزان می‌توانند با آن در تعامل باشند. «مرکز بررسی آثار مجلات رشد» از دهه ۱۳۶۰، به منظور کارشناسی و بررسی آثار ادبی

و هنری مخاطبان مجلات رشد دانش آموزی، در دفتر انتشارات و فناوری آموزشی تأسیس شده است. اهداف این مرکز عبارتند از:

الف) شناخت، جذب و پرورش استعدادهاى ادبی و هنری دانش آموزان؛

ب) تشویق مخاطبان به بیان اندیشه‌هایشان از راه نوشتن و پدیدآوردن آثار هنری؛

ج) ایجاد بسترهای مناسب برای بروز و رشد این استعدادها، به صورت آموزش مستقیم و غیرمستقیم؛

د) تربیت، پرورش و تأمین نیروی ادبی فرهنگی برای جامعه ادبی و هنری کشور.

این مرکز برای بررسی و پاسخگویی دقیق و منظم به آثار رسیده از طرف دانش آموزان، بخش‌های کارشناسی متعددی در رشته‌های

داستان، شعر، قطعه‌ی ادبی، نقاشی، خوشنویسی و علوم دارد. کارشناسان این بخش‌ها تک‌تک آثار دانش آموزان را که از طریق نامه، رایانامه یا درگاه‌های مجلات ارسال شده باشند، بررسی می‌کنند. فعالیت کارشناسان این مجموعه به این شرح است:

۱. بررسی آثار رسیده و تهیه‌ی پاسخ‌ها با رویکرد آموزشی؛
۲. شناسایی هنرجویان فعال مرکز و تغذیه‌ی علمی مناسب آن‌ها؛
۳. تعیین کتاب‌ها، نشریه‌ها و جزوه‌های آموزشی موردنیاز هنرجویان؛
۴. اطلاع‌رسانی به هنرجویان برای استفاده از نمایشگاه‌ها و مجامع هنری مناسب و مفید؛
۵. انتخاب آثار قابل چاپ برای مجلات و تأمین مطالب صفحات مربوط به آثار مخاطبان؛
۶. معرفی هنرجویان فعال به سردبیران مجلات برای همکاری بیشتر؛
۷. شرکت در جشنواره‌ها طبق برنامه‌های مرکز و ارائه‌ی برنامه‌های متناسب با حوزه‌ی کارشناسی خود.

راه‌های ارتباطی ما با شما عبارتند از:

الف) ارسال آثار دریافتی از دانش آموزان به نشانی دفتر مجله: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، شماره‌ی ۲۷۰، دفتر انتشارات و فناوری آموزشی. صندوق پستی: ۶۵۶۷-۱۵۸۷۵.

ب) ارسال آثار از طریق پست الکترونیک:
barresiasar@roshdmag.ir

ج) ارتباط با درگاه هر مجله به‌طور اختصاصی:
رشد کودک:

asarkoodak@roshdmag.ir

رشد نوآموز:

noamooz@roshdmag.ir

رشد دانش آموز:

daneshamooz@roshdmag.ir

برای ارسال آثار، لازم است این موارد رعایت شود:

۱. نام و نام خانوادگی، سن، نشانی و تلفن هر دانش آموز پشت اثر او نوشته شود.
۲. در صورت ارسال عکس، به مسائلی همچون حجاب دانش آموزان و همکاران توجه شود.
۳. در صورت ارسال عکس فعالیت‌ها یا کاردستی‌های دانش آموزان، نام و نام خانوادگی و پایه‌ی تحصیلی هر کدام در پشت تصویر نوشته شود. تصویر صورت دانش آموز نیز به‌طور واضح همراه با کاردستی او ارسال شود.
۴. کیفیت تصویرها پذیرفتنی باشد.

دفترک معرفی مرکز بررسی آثار





ولادت امام حسن عسکری (ع)



فراخوان

سیزدهمین دوره جشنواره ملی دوسالانه عکس و تصویرگری رشد



سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی از عکاسان و تصویرگران سراسر کشور برای شرکت در سیزدهمین دوره جشنواره ملی دوسالانه عکس و تصویرگری رشد دعوت به عمل می آورد. این جشنواره از تصویرگران و عکاسان محترم دعوت می کند با نگاه خلاقانه خود، براساس موضوعات جشنواره، لحظاتی به یادماندنی و تأمل برانگیز را به تصویر بکشند و با هنر خویش دریچه ای نو به روی مخاطبان بگشایند. نگرش اندیشمندانه و آثار هنرمندانه شما، غنا بخش جشنواره خواهد بود.

محورهای این دوره از جشنواره، برفضاسازی مدرسه های امروزی، روش های نوین آموزشی و نیازهای تصویری مجلات رشد، کتاب های درسی و عموم منابع آموزشی و تربیتی تمرکز ویژه دارند.

عکاسان و تصویرگران می توانند در دو گروه سنی در این جشنواره شرکت کنند:

۱. هنرمندان بزرگسال: (الف) عکاسان و تصویرگران حرفه ای؛ (ب) معلمان و مربیان.
۲. هنرمندان دانش آموز: دانش آموزان ۱۳ تا ۱۸ ساله.

تبصره: معلمان و مربیانی که در سمت های اداری آموزش و پرورش هستند، مشمول گروه (ب) می شوند.

موضوعات جشنواره در هر گروه سنی:

الف) هنرمندان بزرگسال:

۱. مدرسه، خانه دوم محورها: (الف) موقعیت های متنوع تربیتی (مناسبت ها، انواع مراسم، اردوها و جشن ها)؛ (ب) اتفاقات و رخداد های جالب مدرسه.

۲. نهاد خانواده

- محورها: (الف) مدرسه و خانواده؛ (ب) مسجد و خانواده؛ (ج) مدرسه، مسجد و خانواده

۳. کتاب درسی

- محورها: با زیربنای تصویری: (الف) قصه ها،

شعرها و...؛ (ب) فعالیت های علمی؛ (ج) سرزمین پرگهر ایران (بناهای تاریخی، مناسبت های ملی و دینی، محیط زیست، حیات وحش، طبیعت، آیین های قومی و منطقی ای و...).

نکته: رویکرد جشنواره، استفاده مناسب از آثار برگزیده در تکمیل بسته های تربیت و یادگیری (کتاب درسی، مجلات رشد، تولیدات چند رسانه ای و... است).

۴. بخش جنبی

۱. شعار سال (جهش تولید با مشارکت مردم).
۲. مهدویت.

ب) هنرمندان دانش آموز:

۱. آزاد
۲. کتاب های درسی: تمام موضوعات و رخدادها در همه گونه (ژانر) های عکاسی و تصویرسازی که مستقیم یا غیرمستقیم با کتاب درسی ارتباط داشته باشند.

مقررات جشنواره

۱. شرکت همه عکاسان و تصویرگران در این جشنواره آزاد است.
۲. هر هنرمند بزرگسال می تواند با ارسال پنج اثر در هر موضوع جشنواره شرکت کند.
۳. دانش آموزان می توانند حداکثر هفت عکس

جوایز:

بخش هنرمندان بزرگسال (عکاسان و تصویرگران حرفه ای، معلمان و مربیان):

مدرسه، خانواده دوم

نفر اول: تندیس جشنواره، لوح تقدیر و جایزه نقدی؛

نفر دوم: لوح تقدیر و جایزه نقدی؛

نفر سوم: لوح تقدیر و جایزه نقدی.

جایزه ویژه: لوح تقدیر و جایزه نقدی.

نهاد خانواده

نفر اول: تندیس جشنواره، لوح تقدیر و جایزه نقدی؛

نفر دوم: لوح تقدیر و جایزه نقدی؛

نفر سوم: لوح تقدیر و جایزه نقدی.

کتاب درسی

نفر اول: تندیس جشنواره، لوح تقدیر و جایزه نقدی؛

نفر دوم: لوح تقدیر و جایزه نقدی؛

نفر سوم: لوح تقدیر و جایزه نقدی.

بخش جنبی

نفر اول: تندیس جشنواره، لوح تقدیر و جایزه نقدی؛

نفر دوم: لوح تقدیر و جایزه نقدی؛

نفر سوم: لوح تقدیر و جایزه نقدی.

بخش دانش آموزی

۱. آزاد:

به سه نفر، هر کدام به مقدار مساوی جایزه نقدی و لوح تقدیر داده خواهد شد.

۲. کتاب های درسی:

به سه نفر، هر کدام به مقدار مساوی جایزه نقدی و لوح تقدیر داده خواهد شد.

امتیازها:

آثار برگزیده به صورت نمایشگاهی در معرض دید عموم قرار خواهند گرفت.

به صاحبان هر یک از آثار (راه یافته به نمایشگاه)، مبلغی متناسب با تعرفه های سال ۱۴۰۳ سازمان پژوهش به عنوان حق التألیف پرداخت خواهد شد.

برای هنرمندانی که آثارشان به نمایشگاه راه یابد، گواهی شرکت در نمایشگاه صادر خواهد شد.